

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران  
شماره ۱۴۰ / سال چهاردهم / دی و بهمن ۱۴۰۳ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



صدای کارگران نفت را بشنوید و دست از فریبکاری بردارید!



ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۱۴۰ / سال چهاردهم / دی و بهمن ۱۴۰۳ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.



صدای کارگران شت از پشنوید و دست از فریبکاری بردارید!



# پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری  
ایران کاری از کارگران سندیکایی  
ایران، بر اساس منشور جهانی  
سندیکاهای کارگری در راستای  
تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰ / چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه‌ها

<http://vahedsyndica.com>

[vsyndica@gmail.com](mailto:vsyndica@gmail.com)

[s\\_felezkar@yahoo.com](mailto:s_felezkar@yahoo.com)

[gmail.com@sfelezkar1961](mailto:gmail.com@sfelezkar1961)

[www.sfelezkar.com](http://www.sfelezkar.com)

[irunionmessenger@gmail.com](mailto:irunionmessenger@gmail.com)

در این شماره می خوانید:

اطلاعه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۷

یکشنبه های پر شورتر از همیشه، اعتراض! ص ۱۸

افشاکری وزیر کار یا ...!!! ص ۱۹

مصاحبه مسوول سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران ص ۲۱

مصاحبه یوسف موحدی منش با خبرنگاری ایلنا! ص ۲۳

مصاحبه خسرو زنجیر از بازنشستگان متحد تهرانی ص ۲۵

ریشه های بدهی دولت به تامین اجتماعی ص ۲۷

تاثیر عملکرد مافیای بر زندگی زحمتکشان! ص ۲۸

مدیران نفولیرال چه می گویند؟ ص ۳۰

قوانین ضد کارگری موقوف! ص ۳۰

نتایج درخشان اولین نشست شورای عالی دستمزد!! ص ۳۱

از مزد منطقه ای تا اصلاح بیمه بیکاری! ص ۳۲

اخراج کارگران با چه منطقی!!!! ص ۳۳

تورم در یک نگاه!! ص ۳۴

درآمد در ایران خوب، زندگی کردن در آن بد!! ص ۳۴

۹۰ درصد مردم ایران فقیر هستند! ص ۳۵

گران شدن دارو تا ۴ برابر! ص ۳۶

دستمزدهای زیر خط فقر و رانت خواری مافیای! ص ۳۶

مافیای قدرتمندتر از دولت! ص ۳۷

افزایش دستمزد یکبار، گرانی چند بار! ص ۳۸

مافیای این روزها چه می کند! ص ۳۸

صرفه جویی یا پنهان کردن غارت! ص ۴۱

تحریم برای ثروتمندان نیست! ص ۴۲

آقای پزشکیان به کار اصلی خود برس! ص ۴۳

آیا دولت پول ندارد!!!! ص ۴۵

فقر به گفته آمار! ص ۴۶

قانون های بازنشستگی باز یچه هیات مدیره ها! ص ۴۷

وزیری که قانون نمی داند! ص ۴۸

درباره ی حفظ زیست بوم ایران! ص ۴۹

صعود به قله کاهار به یاد دکتر غلامحسین ساعدی ص ۵۰

ادبیات کارگری ایران (۷) ص ۵۱

هیات تحریریه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران برای اطلاع از دیدگاههای

ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران به آدرس [sfelezkar.com](http://sfelezkar.com)

و کانال رسمی سندیکا در تلگرام به آدرس [کانال رسمی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران](https://t.me/sfelezkar)

و مراجعه کنید.

## نمایندگانی که واقعیت های کارگری را نمی دانند!!

سبد معیشت کارگری ۲۷ میلیون در کمیته دستمزد شورای عالی تعیین حداقل دستمزد، تعیین شد. بازی در زمین کارفرمایان باید سبد معیشت را این چنین غیرواقعی تعیین کند. نمایندگانی چون اسعد صالحی که از سوی کانون عالی انجمن های صنفی کارگران سراسر کشور به این شورا راه یافته اند و پیشنهاد افزایش 35 درصدی حق مسکن را می دهند بی تردید باید با سبد معیشتی ۲۷ میلیونی راضی باشند.

این در حالی است که فقط طی دوماه گذشته بیش از ۳۵ درصد از قدرت خرید مردم ایران با یک بازی با دلار کاسته شد. با افزایش قیمت دلار از ۶۰ هزار تومان به ۸۴ هزار تومان امروز جمعه ۵ بهمن، کارگران فقط در دو ماه اخیر بیش از ۳۵ درصد فقیرتر شدند.

در فروردین امسال یک کارگر با یک سال سابقه کار و داشتن یک فرزند طبق قانون تقریباً ۱۱ میلیون حقوق می گرفت که با دلار ۴۵ هزار تومانی اردیبهشت ماه دستمزدش ۲۴۵ دلار شده بود، اما با این تغییر دلار به ۸۴ هزار تومان دستمزدش به ۱۳۱ دلار تنزل یافت. یعنی ۱۱۴ دلار از سفره اش روده شد. حال چگونه و با چه معیاری این نمایندگان کارگری!!! سبد معیشت را ۲۷ میلیون تعیین کرده اند؟ با این روند این نمایندگان نخواهند توانست حداقل حقوق را حتی به ۱۵ میلیون تومان هم برسانند. در صورتی که اگر قرار باشد فقط زحمتکشان قدرت خرید خود را حفظ کنند باید اول حداقل حقوق طبق معیار دلار ۸۴ هزار تومانی به ۲۰ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان برسد تا از این تغییر ۲۹ هزار تومانی دلار متضرر نشوند بعد برای تعیین دستمزد سال بعد، افزایش تورم امسال را به این ۲۰ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان لحاظ کنند. هرچند که همیشه کارگران در تعیین دستمزد یکسال عقب ترند چرا که تورم سال بعد در این تعیین دستمزد منظور نمی شود. حال این نمایندگان با این ترکیب امکان اینکه بتوانند این تغییرات را در سر میز تعیین حداقل دستمزد اعمال کنند را دارند؟ بی تردید خیر.

نمایندگانی که چشم به دهان نماینده اتاق بازرگانی و سایر وزرای دولت دارند و توان چانه زنی خود را فقط در گلایه گذاری در خبرگزاری ها معطوف دارند، و از قبل خود را بازنده این بازی مذاکرات می دانند، نمی توان انتظار اجرای درست نمایندگی را داشت. نمایندگانی که چشمشان به دنبال حق جلسه و پاداش چند سکه ای از سوی وزیرکار است.

طبقه کارگر دهها سال است که چنین مذاکره هایی را به سخره گرفته و زمین بازی خود را نه با نمایندگان بزدل و بی حمیت بلکه با اجرای اعتصابات شکوهمند و قدرت سندیکاهای کارگری، اعمال کرده است.

## سندیکاهای کارگری سنگر همیشگی طبقه کارگر و همه مزد بگیران

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۵ بهمن ۱۴۰۳



## به فدراسیون جهانی اینداستریال!

### موضوع: شرایط و وضعیت کنونی رهبران اتحادیه های کارگری سوری و فلسطینی



دبیر کل محترم فدراسیون جهانی اینداستریال

با درود، رفیق گرامی طبق گزارش تصویری ای که در روز ۸ ژانویه از سوی خبرگزاری اسپوتنیک روسیه در کانال تلگرامی این خبرگزاری منتشر شد، سربازان اسرائیلی گروهی از کارگران فلسطینی در شهر بیت حنینا در شمال بیت المقدس را دستگیر کردند .

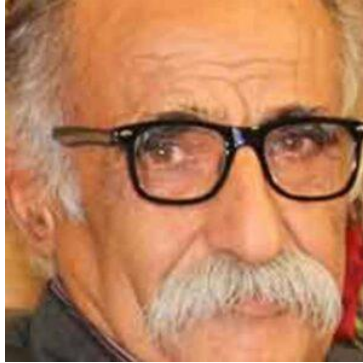
بیش از ۶۰ روز از کشتار مردم غزه و یک ماه از تجاوز اسرائیل به کشور سوریه می گذرد. متأسفانه وضعیت رهبران اتحادیه های کارگری این دو کشور در هاله ای از ابهام قرار دارد.

از شما تقاضا می کنیم از هرگونه امکان برای خبرگیری از وضعیت سلامتی این رهبران دریغ نفرمایید و صدای همبستگی ما نسبت به خلق فلسطین و سوریه بوده و اعتراض ما به اینگونه رفتارهای ضد انسانی علیه کارگران فلسطینی و سوری اعلام بفرمایید .

مازیار گیلانی نژاد مسوول سندیکای کارگران فلزکارمکانیک  
ایران

۱۰ ژانویه ۲۰۲۵ مطابق با ۲۱ دیماه ۱۴۰۳

## بدرود رفیق کارگران، بدرود!



فروید آمد ز دار زندگانی

مبارک پیکر منصور نستوه

ز نامش تا ابد روشن بماند

« چراغی بر فراز مادیان کوه »

منصور یاقوتی کارگر، نویسنده، فعال سیاسی نیز سرفراز رفت. هر چند بعد از زندانی که نه در خور او بلکه هیچ انسانی نیست مجبور به کارگری شد اما دستانی که آفریننده بآپک و چراغی بر فراز مادیان کوه بود، بیل به دست گرفت و تلاش کرد شخصیت انسانی خود را حفظ نماید. منصور یاقوتی از زمره داستان نویسانی بود که زحمتکشان و مبارزه علیه ستمگری همیشه بن مایه اصلی نوشته هایش را در بر می گرفت.

محمدعلی افغانی، علی اشرف درویشیان، منصور یاقوتی و... چهره های ماندگار داستان نویسی کارگری هستند که تفکر انسانی و کارگريشان آنان را به این مرتبه رسانده است و بسیاری از داستان نویسان جوان را رهرو خود نموده اند. زحمتکشان ایران در مقابل راویان درد و رنج خود سر احترام فروید می آورند و به این فرزندان خود افتخار می کنند. یاد و نام رفیق رنج دیده اما استوار ما، منصور یاقوتی همیشگی باد.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران ۹ دیماه ۱۴۰۳

## اعتصاب و اعتراض حق قانونی و انسانی طبقه کارگر است!

بیش از دو سال است که کارگران ارکان ثالث با انتخاب نمایندگان جسور به دنبال مطالبات خود هستند.

سال هاست مافیای نئولیبرال با ایجاد شرکت های پیمانکاری دست در جیب کارگران کرده و از این واسطه گری مبلغی بیش از نیمی از دستمزد کارگران ارکان ثالث را غارت می کنند. طی هفت ماه گذشته نیز تلاش کرده اند نمایندگان ۱۲۰ هزار کارگر شرکت ملی حفاری را که از تطمیع و تهدیدها نهراسیده اند را با اخراج روبرو کنند.

از ۱۵ نماینده اول یاسر احمدی نژاد را اخراج کردند و آخرین هم یکی دیگر از نمایندگان را اخراج نموده اند. ۵ تن دیگر نیز در انتظار حکم اخراج خود توسط هسته گزینش هستند و ۸ تن دیگر هم در نوبت احضار هسته گزینش ملی حفاری مانده اند.

نمایندگان کارگران ارکان ثالث ملی حفاری به دنبال اجرای قانون ماده ۱۷ قانون خدمات مدیریت کشوری و حذف پیمانکاران از بخش فنی شرکت نفت و گاز و همچنین اجرای اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی در خصوص برابری در مقابل قانون و اجرای همسان سازی مزدی با کارگران رسمی و ۱۴ روز کار و ۱۴ روز مرخصی همچون کارگران رسمی و اجرای طبقه بندی مشاغل صحیح و نه فریبکارانه هستند.

اخراج نمایندگان شجاع همچنان برقرار است و دهها کارگر پیمانکاری از بخش مخابرات، واگن پارس اراک، شهرداری تبریز، شرکت پارس طبیعت سلولز شوش، شرکت شیشه لرستان، گروه ملی فولاد اهواز، مهمانداران و عوامل فنی برخی قطارهای مسافربری و کمباین سازی تبریز به دلیل اعتراض صنفی و

مطالبه حق معوق خود یا همکارانشان، با اخراج و یا جابجایی از شغل خود و مشغول شدن در مکانی دیگر از سوی پیمانکاران مواجه شده‌اند.

این زیر پا گذاشتن قوانین توسط مافیای نئولیبرال لانه کرده در دولت و صنعت نفت که نه به فکر منافع ملی ایران و نه به فکر حفظ کارگران فنی در صنعت نفت و گاز هستند به دلیل آن است که آنان فقط به دنبال پر کردن جیب خود از رانت و دور زدن قوانین هستند و مدیران شرکت نفت و دولت هم چشم بر این غارت فکر و توان طبقه کارگر بسته‌اند. این زیر پا نهادن قوانین و اخراج نمایندگان کارگری از سال گذشته صورت گرفت و وزیرکار سابق با اخراج علی‌خدایی مذاکره‌کننده ارشد کارگران در شورای عالی تعیین حداقل دستمزد و وزیر کار فعلی با اخراج علیرضا میرغفاری عضو دیگر این شورا و به تاسی از این دو وزیر، مافیای پیمانکاری در ملی حفاری نیز برای خفه کردن تلاش‌های نمایندگان کارگران ارکان ثالث دست به اخراج این کوشندگان کارگری زده‌اند.

کارگران پروژه ای هم به دنبال رسمی شدن و اجرای قوانین شرکت نفت در خصوص خود هستند از جمله ۱۴ روز کار ۱۴ روز مرخصی. اعتصاب تیرماه امسال هم که بیش از ۲۰ هزار کارگر پروژه ای را به میدان آورد برای همین منظور بود.

ما ضمن محکوم کردن این اخراج‌ها، که در همه جای دنیا نمایندگان مصون از اخراج و تعدی هستند، این اعمال ضد کارگری مدیران شرکت ملی حفاری و هسته‌گزینش را محکوم کرده و این روند اخراج‌ها را در راستای سرکوب جنبش کارگری و بر ضد منافع ملی می‌دانیم.

**سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران، گروه پایپینگ و**

**اکیپ پروژه ای ها طراح کمپین های کارگری از سال ۹۹**

**تاکنون. ۷ دیماه ۱۴۰۳**



## گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

### ۱. تعاونی سود محور یا مردمی؟!؟!!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مدیریت کنونی تعاونی مصرف ذوب آهن که چند سالی است عهده دار رهبری این تعاونی گشته آن چنان به دنبال سودورزی است که از اهداف اولیه تعاونی که همانا مردمی بودن و ارزان فروشی و قایل شدن تسهیلات برای اعضا، جهت مقابله با گرانی است را به کنار نهاده است. این تعاونی با ۵۰۰ فروشگاه طرف قرارداد است و کارگران را برای خرید به این فروشگاههای خصوصی راهنمایی می کند و این فروشگاهها هم تا آنجایی که جا دارد کارگران را سرکیسه می کنند. به همین دلیل اعضای تعاونی مصرف ذوب آهن طی اعتراضاتی به این گران فروشی ها که بخشی هم به جیب مدیریت تعاونی و

تعاونی مصرف می رود، شده اند. اما جالب توضیح مدیریت تعاونی به این سواستفاده از کارگران توسط فروشگاههای بندوبستی است. مدیریت اعلام کرده است: «امکان نظارت مستقیم شرکت تعاونی بر صحت قیمت های این ۵۰۰ فروشگاه وجود ندارد» کسی نیست به این مدیران ندادن بگوید وقتی شما کارگران عضو تعاونی را به فروشگاههای معرفی می کنید در حقیقت از اعتماد کارگران به تعاونی سواستفاده کرده و کارگران گرفتار را به دام سود جویان فروشگاهها فرستاده تا آنان با چند برابر قیمت جیب کارگران را خالی کنند. اصل اساسی وجود تعاونی ها بر این است که کالای ارزان برای اعضا تهیه کند و اگر نمی تواند نباید آنان را به سودجویان بی شرفی که جز خالی کردن جیب کارگران هنری ندارند، معرفی کنند.

## ۲. سود نوب آهن به جیب چه کسانی می رود؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، رییس انجمن تولید کنندگان فولاد می گوید: «ایران در جایگاه دهم تولیدکنندگان فولاد جهان قرار دارد» از سوی دیگر تولید و فروش فقط ۳۰ هزار تن ریل ملی درجه یک نوب آهن بخشی از این جایگاه است. نوب آهن که متعلق به زحمتکشان است و به دلیل بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی واگذار شده است. اما جالب اینجاست که سودهای افسانه ای این کارخانه و شرکت های تابعه اش معلوم نیست به کجا می رود. بی تردید به جیب زحمتکشان ایران و کارگران نوب آهنی نرفته است. بسیاری از این گونه کارخانه ها و هلدینگ های معتبر و بزرگ که با اندوخته های زحمتکشان خریداری شده اند متأسفانه با مدیریتی که از سوی بیمه شده ها انتخاب نگردیده اند و مدیریت در دست مافیاست به هیچ وجه در مورد مسایل مالی شفاف سازی نمی کنند تا معلوم گردد هزینه ها، حقوق مدیران، وام های بازگشت ناپذیر چه میزان می باشد. نوب آهن و هلدینگ های فولادی و غیره درآمدهای افسانه ای دارند اما این درآمدها به هیچ وجه به صندوق بازنشستگی فولاد کمک نکرده و بازنشستگان این صندوق که مورد هجوم مدیران نالایق دولتی قرار گرفته اند و اندوخته هایشان توسط این احمق ها به یغما رفته و با فقر و درمان نامناسب زندگی کرده و سر پیری حقوقی در خور انسانی و تلاش شان دریافت نمی کنند.

واقعن درآمدهای نوب آهن و هلدینگ هایش به جیب چه کسانی می رود؟ تحریریه پیام سندیکا

## ۳. مدیریت نوب آهن چگونه مدیریتی است!!!؟؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در حالی که مدیریت نوب آهن توانسته است ریل ملی در حد استانداردهای جهانی توسط کارگران و مهندسین نوب آهنی تولید کند، اما جالب است که این مدیریت از پس ساده ترین مسایل روزمره شرکت بر نمی آید. چرا؟ ۱- بیمه دانا بدهی اش را به کارگران پرداخت نمی کند و مدیریت نوب آهن که این بیمه را به کارگران تحمیل کرده

واکنشی به این دزدی نشان نمی‌دهد. ۲- سیستم گرمایشی اتوبوس‌های کارگران خراب است و چاره‌ای اندیشیده نمی‌شود. ۳- لباس مخصوص کادر درمانی بیمارستان مطهری بیش از یکماه است عقب افتاده و معلوم نیست کی تهیه و به این کادر درمانی داده خواهد شد. ۴- از اجرای طبقه بندی مشاغل خودداری می‌کند و با درست کردن یک کمیته‌ای بی‌خاصیت سالهاست کارگران را سرگردان کرده‌اند و پول خوبی به کارشناسان این کمیته می‌دهد. ۵- سهمیه شیر کارگران از ۱۴ خرداد تا ۱۲ تیرماه داده نمی‌شود و مدیریت واکنشی به این عمل مجرمانه نشان نمی‌دهد. ۶- وضعیت رختکن و سرویس‌های بهداشتی کارگران بسیار افتضاح و حتی از تهیه به موقع لباس برای تراشکاران عاجز است. واقعن مدیریتی در حد جهانی چگونه نمی‌تواند از پس این موضوعات بسیار ساده برآید؟ اما موضوع چیز دیگری است. به مناسبت روز پدر از ماهها قبل تدارک پایگاه پخش نذری و اجرای سرود برنامه ریزی و در روز موعود برگزار شد. این موضوع نشان دهنده این است که این مدیران برای مسایل رفاهی کارگران و دستمزدها اهمیتی نداده اما برای نمایش‌هایی چون روز پدر نه تنها مصمم هستند بلکه دقیق برنامه ریزی هم می‌کنند. مدیران سیستم سرمایه داری نئولیبرال فقط برای سودآوری تربیت می‌شوند نه برای انسانی کردن روابط کار. حتی برایشان انسانیت هم چه در زمان کار کردن و چه در زندگی عادی مطرح نیست، فقط سود و سود مهم است و بس..

تحریریه نشریه پیام سندیکا



## ۱- بی‌کیفیتی در همه جای ایران خودرو!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بی‌کیفیتی مدیران بی‌دانش و سودجویی بی‌حد و حصر در ایران خودرو تنها به تولید بی‌کیفیت خودرو منحصر نیست. کارگران ایران خودرویی طی نامه‌های اعتراض آمیزی نسبت به بی‌کیفیتی غذاهای پخته شده به ویژه سوسیس بندری که در روغن بطور غیر استاندارد غوطه‌ور است و موجب مشکلات گوارشی برای کارگران گشته است. اما موضوع به اینجا ختم نمی‌شود و دروغ‌گویی و سودجویی در این شرکت به جایی رسیده که کارکنان معاونت نیرو محرکه طی نامه‌ای از بی‌کیفیت بودن لباس‌های ارایه شده به کارکنان، اعتراض خود را اعلام کردند. اما جالب پاسخ مدیریت درمان و رفاه است

که می گوید: «لباس ها مطابق با استانداردهای!! کیفی تامین شده است.» اما ماجرا به همین جا تمام نمی شود. آسانسوری که برای رستوران «بدنه سازی» خریداری شده هر روز خراب است و کارگران می بایست ۶ طبقه را پیموده تا به غذای بی کیفیت برسند. سومدیریت و سودجویی تنها به تولید خودروهای خراب نیست بلکه به غذا و لباس و خرید آسانسور هم رسیده است

## ۲- دزدی آشکار تعاونی خاص ایران خودرو!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، تعاونی خاص ایران خودرو قیمت لاستیک خودروهای عرضه شده خود را شش میلیون برای مصرف کننده محاسبه و ۱ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان هم از خریداران جداگانه دریافت می کند. این در حالی است که این تعاونی دولتی برای این فروش به خریداران می دهد، در صورتی که همین لاستیک در مغازه های بیرون شرکت ایران خودرو به مبلغ ۴ میلیون ۴ صد هزار تومان به فروش می رسد. یعنی ۳ میلیون ۴۰۰ هزار تومان ناقابل از جیب خریداران کش می روند. دزدی، اختلاس، کار روزمره ی مافیا شده است و این فرقی نمی کند در ایران خودروست یا در جای دیگری. جالب اینکه این گران فروشی نه مورد اعتراض مدیران ایران خودروست نه سازمان تعزیرات. مافیا آزاد است هر غلطی که می خواهد بکند چون مافیا نیامده برای مردم آسایش و آرامش بیاورد بلکه حضور مافیا در سیاست، فرهنگ، اقتصاد فقط خانه خراب کردن کشور ایران و به تاراج بردن ثروت ملی ایرانیان است و بس. تحریریه پیام سندیکا

## اتحاد کارگران پروژه ای و ارکان ثالث شادباش!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز سه شنبه ۲۳ بهمن بیش از ۵۰۰ کارگر پروژه ای و ارکان ثالث شاغل در پالایشگاه فجر جم در یک اقدام متحد در محوطه شرکت پالایش گاز

فجر جم در اعتراض به نادیده انگاشتن خواسته های خود دست به اعتراض زدند. آنان در نوشته هایی که با خود حمل می کردند خواستار حذف شرکت های پیمانکاری، طبقه بندی مشاغل صحیح، اجرای تمامی مقررات و قوانین شرکت نفت برای کارگران و کارکنانی که برای شرکت نفت کار می کنند، بدون تبعیض شدند. این کارگران که از سوی رانندگان شرکت پالایش نیز حمایت می شدند خواسته های این کارکنان را نیز جزو خواسته های خود دانسته و خواستار اجرایی شدن آن بودند. آنان در اعتراض به وعده های توخالی و وضع نامناسب معیشتی شعار: «وعده وعید کافیه/ سفره ما خالیه» را در مقابل شرکت پالایش گاز فجر فریاد زدند. تجمعات سه شنبه های اعتراضی هفته هاست در برگرفته کارگران معترض می باشد. وعده های بی پشتوانه از سوی مسوولین و فرسایشی کردن مذاکرات و پرداختن نمایندگان کارگران ارکان ثالث به موارد فرعی و مشخص نبودن پرداخت وجه نامه ۳۱۸۸ به حساب کارگران، از جمله انگیزه های این تجمع اعتراضی بود. آنچه در این حرکت مهم و چشمگیر است اتحاد کارگران ارکان ثالث و کارگران پروژه ای است که از سوی کارگران پروژه ای و سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران به فال نیک گرفته می شود. اتحاد رمز پیروزی

### ۱- وضعیت بد کارگری در پتروشیمی زاگرس!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در این پتروشیمی هیچکدام از استانداردهای شرکت نفت و گاز و همچنین مقررات سندیکای کارگری و کمپین اجرا نمی شود. دستمزد داربست بند روزی ۲۰۰/۱ تا ۷۰۰/۱ جوشکار ۵۰۰/۲ برای هر تعداد روزی که کار کنید. لیست بیمه تامین اجتماعی کارگران برای بیمه ارسال نمی گردد. وضعیت غذا افتتاح است و برای شام ۲ عدد نان لواش و ۲ عدد هم برای صبحانه می دهند که کارگر سیر نمی شود. سرویس ها همگی از جنگ برگشته و داغون. داخل کمپ از فوریت های پزشکی خبری نیست و اگر برای کارگری مشکل درمانی پیش بیاید هیچ وسیله ای برای رسیدن به عسلویه یا نخل تقی وجود ندارد. باید صبر کرد تا صبح که اتوبوس پیدا شود و آن هم تا سه راه پتروشیمی بیشتر نمی رود و از آنجا باید به درمانگاه های عسلویه خود را رساند. آب حمام و دستشویی ها همیشه سرد است. ۸ نفر داخل یک اتاق کوچک باید سر کنند و هرگونه اعتراض مساوی با اخراج است. زمان کاری هر روزه هم ۱۲ ساعته می باشد. متأسفانه با به کارگیری اتباع افغانی برای شستشوی لباس کارگران، موجب همه گیری بیماری اسهال و تب و لرز گشته است. از همه اینها که بگذریم از محسن عالی پور اهل هفشجان که برای این پتروشیمی نیرو می برد نمی گذریم. کاش محسن عالی پور حداقل حرمت شهر هفشجان را نگه می داشت و برای چنین جای افتصاحی و ضد قوانین کمپین و سندیکای کارگری، کارگران را گول نمی زد و به آنجا نیرو نمی برد. جناب محسن عالی پور، که توسط بستگان که رییس ایمنی است به آنجا

برای کار کمی رفتی، برای هزار تومان پول بیشتر کارگران را بدبخت نکن و این هشدار را جدی بگیر. با توجه به شرایط گفته شده این پتروشیمی به دلیل نقض قوانین کمپین تحریم کارگری است و هیچ کارگری برای کار به این پتروشیمی نرود تا وضعیت کاری را درست کند. این تحریم کارگری را به دیگر کارگران هم اطلاع رسانی کنید.

گروه پاپینگ و اکیپ پروژه ای ها طراح و اجرا کننده کمپین های کارگری از سال ۹۹ تاکنون.

### ۲. برای پیمانکاران رسوا کار نکنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پیمانکار الماسی از شرکت الکترو رعد کرمانشاه به کارفرمایی شرکت نیرو گستر در تلمبه خانه شماره ۳ شرکت نفت کورده شهرستان خنج استان فارس از خرداد ماه لیست بیمه ۹ کارگرس را به تامین اجتماعی رد نکرده و دستمزدهای کارگرنش را پرداخت ننموده و با وعده های پوچ کارگران را به تاریخی نامعلوم برای پرداخت مطالبات شان حواله می دهد. همچنین شرکت شیمی گستر انشان طوری مبلغ بیمه ۱۶۰ کارگرس را بعد از ۳ ماه به سازمان تامین اجتماعی می پردازد که به کار خانواده های کارگران نمی آید. کارگران باید هر چند ماه یکبار آن هم با اعتصاب حقوق خود را به زور از این شرکت بدحساب بگیرند. به همه دوستان کارگر باز هم توصیه می کنیم اول قرارداد رسمی و مطابق قانون کار را با هم کارفرما امضا کرده بعد به کار مشغول بشوند. در ضمن سر هر ماه هم دستمزد خود را طلب کنند تا پیمانکار از حیای شما سواستفاده نکرده و اینگونه شما را شرمنده خانواده و سرگردان بی پول نکنند.

### ۳. پیمانکاران بد حساب را رسوا کنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، طی پیام هایی که از کارگران دریافت کرده ایم پیمانکاران زیر با بی شرمی کامل از بدحساب ترین شرکت های پیمانکاری هستند: ۱- پیمانکار ابوالفضل جهانگرد مبشر که شرکتی به نام «آکام طرح و صنعت» دارد و پیمانکار برق و ابزار دقیق بوده و در حال حاضر در ایستگاه گناوه کار می کند، حقوق کارگرنش را نداده و پاسخ تلفن کارگران را هم نمی دهد. ۲- شرکت «مهندسی ساخت و نصب سورین پارس» به مدیر عاملی مهندس رحیمی مستقر در آزادگان جنوبی که دفتر مرکزیش در شیراز است. ایشان کار را از پترو پالایش برداشته و چند میلیاردی به کارگرنش بدهکار است و اکنون پس از خروج از آزادگان جنوبی در عسلویه به دنبال کارگر برای پروژه جدید است. ۳- شرکت «آب شیرین

کن مینا اصفهان» مستقر در سیکل ترکیبی احرا در قشم به دنبال جذب نیروست. پیمانکار این شرکت هم اصغرزاده می باشد. این پیمانکار یک خانه دو خوابه دارای حمام برای ۲۴ کارگر گرفته و رفتاری که با کارگراتش دارد مانند برده داران است. دوستان کارگر، اول، شخصیت کارگری خود را حفظ نموده و برای هر پیمانکار بی وجودی کار نکنیم و شرایط رفاهی را از قبل از پیمانکار بپرسید. دوم، قیل از مشغول شدن در هر کاری از طریق سندیکای کارگری و گروه پایبینگ و اکیپ پروژه ای ها، پیمانکار و شرکت مربوطه را استعلام کنید که اگر بدحساب و در تحریم کارگری قرار دارد برایش کار نکنید. تحریم های کارگری به این دلیل است تا کارگران برای این شیدان کار نکنند و در آخر کار سرگردان و بی پول نمادند و همچنین با کار نکردن برای این گروه از پیمانکاران شیداد و بدحساب آنان بی کارگر مانده و بطور خودکار از پروژه ها حذف شوند. کارگر متحد کارگر

#### ۴ سیستم نزد پرور پیمانکاری از پروژه ها باید حذف گردد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت های پیمانکاری در عرصه نفت و گاز تا می توانند به کارگران ظلم کرده و از این حق خوری جیب خود را پر می کنند. ۱- پیمانکار پوربختیار از تیرماه تاکنون به کارگری به نام الماسی بیش از 20 میلیون بدهکار است و چون با کلاهبرداری از او برگه تسویه حساب گرفته با قلداری به او که کارگر مونتاژکار می باشد، حقوق کمی پرداخته است. با آنکه قرارداد امضا شده توسط طرفین، کارگر را مونتاژکار نام برده اما پیمانکار سرخود این قرارداد را نادیده می گیرد. این پیمانکار پاسخ تلفن کارگرس را نمی دهد. ۲- در پتروشیمی دالاهو پیمانکار بهرام کاووسی به کارگری به نام امین بیش از ۳۰ میلیون از خرداد ماه تاکنون بدهکار است. با اینکه این پیمانکار تمامی طلب خود را از پتروشیمی گرفته ولی برای پرداختن بدهی خود به کارگرس هی امروز و فردا می کند و جانش بالا می آید پول کارگر را بدهد. با توجه به این شیدادی هایی که پیمانکاران بر سر کارگران در می آورند و همچنین نظارتی از سوی وزارت کار و بازرسی پتروشیمی ها بر پیمانکاران به عمل نمی آید باید سیستم پیمانکاری در همه جای ایران حذف شود تا گرفتاری های کارگران کمی کمتر شود.

## اخبار کارگران ارکان ثالث نفت و گاز

### ۱- وزیر نفت خواسته کارگران پارس جنوبی را اجرایی کند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با نشست های بی نتیجه نمایندگان انجمن صنفی کارگران با مدیران ارشد و معاون وزیرکار، کارگران تصمیم گرفتند ۴ دیماه در یک تجمع اعتراضی

هشدار جدی به وزیر نفت و به ویژه مصاحبه ضدکارگری مدیرعامل جدید مجتمع گاز پارس جنوبی بدهند. بیش از ۳ هزار کارگر ارکان ثالث پالایشگاه های ۱۲ گانه بوشهر از صبح اول وقت اداری با تجمع در مقابل ستاد مجتمع گاز پارس جنوبی در اعتراض به فرسایشی کردن مذاکرات و پرداختن نمایندگان به مسایل فرعی در جلسات و همچنین حمایت قاطع از علیرضا میرغفاری برای بازگشت به شورای عالی تعیین حداقل دستمزد، تجمع کردند. در این تجمع که با شعارهای حمایتی از خواسته های اساسی خود همراه بود: «۱- حذف شرکت های پیمانکاری ۲- قرارداد مستقیم با شرکت نفت و گاز ۳- ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت ۴- طبقه بندی مشاغل صحیح نه فریبکارانه» برگزار شد آقای رادمهر افتخاری در سخنانی بیان کرد: «جالب است بعد از ۳ سال اعتراض تازه می گویند چه می خواهید» در این تجمع اعتراضی کارگران خواستار هفته ای شدن تجمعات شدند. کارگران با شعار: «حق و حقوق شعار ماست/ عدالت انتظار ماست» سخنان افتخاری را تایید کردند. روز گذشته برای اینکه این تجمع برگزار نشود سعید اکبری طی نامه ای پرداخت هزینه تردد کارگران و کارکنان را ابلاغ کرد، خواسته ای که در رده آخر خواسته های کارگران است. متأسفانه در مذاکرات، نمایندگان انجمن صنفی به جای پرداختن به ۴ خواسته اصلی کارگران بیشتر به موارد کم اهمیت از جمله ابلاغیه اخیر پرداخته بودند و تلاش می کنند کارگران از تجمع و اعتراض بپرهیزند تا مذاکرات را به قول خود به پیش ببرند. بیش از دو هفته است که کارگران ناحیه ۲ سکوهای نفتی از ارسال گزارش «دیفکت و پی پی ام» برای شرکت های پیمانکاری خودداری کرده اند. کارگران سکوهای ناحیه ۲ در شب یلدا با پهن کردن سفره ای خالی ولی پر از خواسته های خود، نشان دادند در عزم خود برای پیگیری خواسته هایشان مصمم هستند. آنچه در این شرایط خاص و بحرانی مدیران نفت و گاز باید در نظر داشته باشند این است که باید دست مافیای پیمانکاری را از صنعت نفت و گاز قطع کنند تا کارگران به حق خود برسند و پول هایی که بی دلیل به جیب این مافیای می رود به سر سفره کارگران برگردد.

## ۲- نشست نمایندگان کارگری شرکت نفت و گاز پارس با مسوولین نفت!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، طبق گزارشی که در تاریخ ۱۰ دیماه این نمایندگان در خصوص خروجی این نشست منتشر کردند نه تنها به مسایل اصلی کارگران ارکان ثالث چه در خشکی و چه بر روی سکوها پرداخته اند بلکه به جز چند مورد بی اهمیت در باقی مسایل هم فقط به قول مدیران اکتفا کرده اند. در این جلسه مدیرعامل مهندس دهقانی، معاونت عملیات و پشتیبانی، مدیران حراست، مدیر منابع انسانی و معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی وزارت نفت خانم دکتر خزائی حضور داشتند. خروجی جلسه قطعی شدن پرداخت هزینه



ایاب و ذهاب به صورت کیلومتری و مزایای رفاهی هم طبق گفتگوها مقرر شد دستورالعمل پرداخت شامل نفت کارت، بن کارت، پاداش های مناسبی به صورت ماهانه بزودی!!! ابلاغ شود که این بزودی چه زمانی خواهد بود معلوم نیست. بقیه موارد از جمله رای دیوان عدالت اداری را وعده به پیگیری ویژه!!! و رایزنی با مدیران ارشد جهت اجرای رای دیوان در محاسبات فوق العاده قانونی را دادند و آقای دکتر کندرانی نیز مامور به اقدام و پیگیری!!! بیشتر جهت اجرایی شدن این رای شد. پیگیری!!! فوق العاده های ابلاغی وزارت نفت مانند آلاینده، کار در ارتفاع، جوشکاری و... که هنوز بلا تکلیف هستند قول پیگیری!!! مجدد داده شد. یعنی هیاهو برای هیچ اصلی ترین موضوع یعنی حذف شرکت های پیمانکاری، اجرای ۱۴ روز کار ۱۴ روز مرخصی، طبقه بندی مشاغل اصلن مطرح نشده است و این در حالی است که با حذف پیمانکاری در شرکت نفت و گاز تمامی موارد بالا و بسیاری دیگر از مزایا بطور اتومات کارگران را تحت پوشش قرار می دهد و اینقدر هم جلسه نمی خواهد. هر چند که برای این مدیران بد نمی شود چرا که حق جلسه های خوبی خواهند گرفت. آری اگر برای کارگران آبی گرم نمی شود برای اینان نان خوبی خواهد شد. حال پرسش این است آیا کارگران با این چند شکلات دهانشان شیرین خواهد شد؟؟؟ و اعتراض ها به خاموشی خواهد گرایید؟؟؟ اینکه موضوعاتی را که چندین سال است کارگران مطرح می کنند را باز هم برایش نشست می گذارند و قول پیگیری و بررسی می دهند یعنی سر دواندن کارگران و فرسایشی کردن مذاکرات و در آخر، هیچ.

### ۳- صدای کارگران نفت را بشنوید!!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بیش از هزار تن از کارگران ارکان ثالث از شهرهای اهواز، عسلویه، گچساران امروز ۶ بهمن در یک تصمیم جمعی به تهران آمده و در مقابل دفتر ریاست جمهوری تجمع کردند و شعارهای زیر را فریاد زدند: «اسمش وزیرکاره/ حامی پیمانکاره- وعده وعید کافیه/ سفره ما خالیه- حقوق عادلانه/ حق مسلم ماست- ما پیمانکار نمی خوایم/ مدیر پروازی نمی خوایم- تجمع تحسن/ آزاد باید گردد» این کارگران که بیش از ۴ سال است منتظر به نتیجه رسیدن طرح حذف پیمانکاری در مجلس هستند و با وجود نشست های بی نتیجه با مسوولین نفت و نمایندگانی که توان رساندن صدای این کارگران را به مسوولین ندارند و در نشست ها با مسوولین نفت از طرح خواسته های اصلی که همانا: ۱- حذف شرکت های پیمانکاری و بستن قرارداد مستقیم با شرکت نفت ۲- اجرای طبقه بندی مشاغل صحیح نه نمایشی ۳- استفاده از امکانات رفاهی همانند کارگران رسمی نفت و از همه مهمتر رعایت حق داشتن سندیکارا، خواهانند. خشم این کارگران بیشتر از این موضوع ناشی می شود که مسوولین نفت و گاز و پتروشیمی ها توجه لازم را به خواسته های کارگران ارکان ثالث ندارند. کارگرانی که طبق ماده ۱۷ خدمات کشوری نباید زیر نظر شرکت های پیمانکاری باشند چون کار تخصصی می کنند. از سوی دیگر نمایندگان شان به جای طرح

مسائل اصلی به دنبال نفت کارت و هزینه ایاب ذهاب هستند نه حذف شرکت های پیمانکاری از عرصه های نفت و گاز. شرکت نفتی که فقط در ۳ سال گذشته به جای رسیدگی به خواسته های کارگران، ۲۸۷ میلیارد تومان هزینه ساخت ۹ مسجد در شهرها نموده است. (روزنامه جمهوری اسلامی) مدیران مسجد ساز، مدیران پروازی، مدیرانی که نه از سوی بدنه نفت بلکه از سوی مافیای لانه کرده در دولت به این سمت ها گمارده می شوند نه تنها منافع ملی را که همانا بهبود وضعیت کارگران نفت و سایر کارگران ایران است را نادیده می گیرند بلکه با بی اعتنائی به خواسته های قانونی کارگران موجب خشم و تهی شدن سفره های کارگران شده اند. به شما می گوئیم: صدای کارگران نفت را بشنوید!

#### ۴- کارگران ارکان ثالث حق قانونی خود را می خواهند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۱۴ بهمن کارگران ارکان ثالث در سکوی «کیو وان» و چند سکوی فرعی دیگر در اعتراض به رای ۳۱۸۸ و اجرا نشدن طبقه بندی مشاغل صحیح تجمع کردند. به دنبال این تجمع ویدئو کنفرانسی از سوی مدیران برای کارگران معترض گذاشته شد و تمامی تلاش آنان این بود که مسایل توافق شده تا عید پرداخت خواهد شد و چنانچه پرداخت نگردید در «بک پی» سال آینده در چند مرحله پرداخت خواهد شد و کارگران نگران نباشند. این در حالی است که اصل خواسته کارگران نفت و گاز و پتروشیمی حذف شرکت های پیمانکاری و اجرای درست طبقه بندی مشاغل و اجرا شدن کلیه استانداردهای رفاهی نفت برای همه کارگران بدون تبعیض است. صدای کارگران نفت را بشنوید و دست از فریبکاری بردارید!

#### ۵- پیروزی کارگران اندک، کاغذبازی بسیار!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با تلاش فراوان کارگران ارکان ثالث فعلن سقف پرداخت حقوق برداشته شده اما همچنان خواسته های اصلی همچنان پابرجاست: طبقه بندی مشاغل صحیح و حذف پیمانکاران از عرصه های نفت و گاز. با اعتصاب کارگران و رد نکردن گزارشات از سوی کارگران سکوهای نفتی به دفاتر شرکت های پیمانکاری و همچنین برگزاری اعتراضات کارگران و تلاش و سماجت کارگران ارکان ثالث ناحیه ۱ و وادار کردن خاتم مهندس خزایی معاون منابع انسانی وزارت نفت به آمدن به ناحیه یک و گفتگو با این کارگران، دادنامه ۳۱۸۸ ابلاغ شد. در ۱۴ بهمن نامه ای از سوی آقای کندرانی به شرکت نفت که در آن موضوع اضافه کاری ها، حق جذب تخصصی که تاثیر بسیاری در بازنشستگی کارگران دارد، و نفت کارت زده شد. طبق این ابلاغیه باید «بک پی» ها از شهریور سال ۱۴۰۲ پرداخت شود که تاکنون نیمی از این مبلغ قطعی گردیده است. البته هنوز شرکت ملی نفت به این نامه پاسخی نداده و در میان کارگران شایع شده که تا پایان سال پرداختی ها

انجام خواهد گرفت و یا در سال جدید در چند قسط برای کارگران واریز می شود. یعنی فقط حرف! صد البته با رشد قیمت دلار به کانال ۹۰ هزار تومان بی ارزش شدن این مبالغ چقدر می تواند مشکلات کارگران را حل کند؟ ما به کارگران خسته نباشید می گوئیم ولی این پیروزی کوچکی بیش نیست. دوستان کارگر، اگر پیمانکاران حذف شوند همه این موارد بطور خودکار به کارگران تعلق خواهد گرفت. تمامی تلاش شرکت نفت و مدیران مناطق و شرکت های مافیایی پیمانکاری این است که هیچگاه به این موضوع کلیدی پرداخته نشود تا سودجویی از کارگران نفت و گاز ادامه داشته باشد. دو خواسته اساسی کارگران نفت و گاز و نیروگاهی: طبقه بندی مشاغل صحیح و حذف شرکت های پیمانکاری از عرصه های نفت و گاز و پتروشیمی و نیروگاهی است.

## هراس افکنی مدیریت واگن پارس اراک!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، از دوم دیماه ۵۰ کارگر کارخانه واگن پارس اراک از ورود به کارخانه منع و حکم اخراج شان صادر شد. کارخانه واگن پارس اراک با سفارشات زیادی روبروست و از ششماه گذشته تاکنون برای ساخت سفارشات خود کارگران را به شدت وادار به کار کرده است. اخراج ۵۰ کارگر روز گذشته ۴ دیماه، فضای کارخانه را ملتهب و ۵۰۰ کارگر کارخانه را به واکنش واداشت. کارگران دست به اعتصاب چند ساعته زده و خواستار بازگشت به کار همکاران اخراجی خود شدند. مدیریت به کارگران اعلام کرده نه تنها این کارگران به کار باز نخواهند گشت بلکه تا نوروز تعداد بیشتری از کار بیکار خواهند شد. اینکه با وجود کار بسیار در کارخانه چرا مدیریت دست به اخراج ۱۰ درصد کارگران کارخانه زده است سوالی است که بی پاسخ مانده است. این اخراج بیشتر به یک تهدید شبیه است تا یک اخراج معمولی. کارگران واگن پارس اراک باید خود را یا برای اخراج های بیشتر آماده کنند یا اینکه با خردجمعی تصمیم عاقلانه ای گرفته با این حرکت ضد کارگری مقابله کنند. مافیای شرکتهای پیمانکاری که بلاى جان زحمتکشان شده اند برای آنکه دست بالا را در مذاکرات مزدی و همچنین در کارخانه ها و واحدهای تولیدی داشته باشند از هم اکنون برای ترساندن کارگران در این موقعیت دست به اخراج می زنند، علیرضا میرغفاری نماینده کارگران پارس جنوبی را از شورای عالی تعیین دستمزد کنار می گذارند، با خواسته های قانونی کارگران ارکان ثالث مخالفت کرده و نمایندگان بی عرضه را به بازی می گیرند تا تهدید همه کارگران فعال را به صورت سراسری انجام گیرد و در مذاکرات مزدی زحمتکشان را مجبور به عقب نشینی کنند. باید متحد شد و بدون هراس از سفره هایمان محافظت کنیم.

## یکشنبه های پرشور اعتراض! نه سرما نه گرما، نیست جلودارمان!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، تجمع هفتگی بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد امروز ۲۱ بهمن با سرمای فوق العاده طبیعت، ولی گرمابخش مطالبه گران برگزار شد. شهرهای اصفهان، اهواز، شوش، تهران، رشت شاهد این مطالبه گری بود. فولادگران بازنشسته در اهواز و اصفهان با اعتراض به بی اعتنایی وزیر صنعت و مسوولان صندوق بازنشستگی فولاد در خصوص اجرای قانون و آیین نامه ها و شعار: «بازنشسته به پا خیز/ علیه فقر و تبعیض- حسین حسین شعارشون/ دروغ و دزدی کارشون- ایران پر درآمد، مسوول بی لیاقت/ چه بر سر تو آورد» بازنشستگان تامین اجتماعی اهواز با شعارهای: «نه مجلس نه دولت/ نیستند به فکر ملت- فقر و فساد مال ماست/ آقازاده آمریکاست- نه خواری نه ذلت/ ننگ بر این عدالت» در شوش بازنشستگان با شعار: «کارگر زندانی/ آزاد باید گردد- نوروز ذبیحی/ آزاد باید گردد- ننگ ما ننگ ما/ صدا و سیمای ما- سفره بی نان ما/ چه می خواهید از جان ما» را داده و به سخنرانی سندیکالیست بازنشسته فریدون نیکوفر گوش دادند ایشان گفت: «شیران فضای مجازی اعلام می کنند در تجمعات ۱۰ نفر بیشتر شرکت نمی کنند تصویر گویای این است که بیش از ۱۰۰ نفر در میدان هستیم. اگر نمی خواهید در تجمعات شرکت کنید کار مطالبه گران معترض را بی ارزش نکنید. اگر کف خیابان هستیم به دلیل بی اعتنایی مسولین است. مذاکره و گفتگوهای بی حاصل فضای مجازی را رها کنید و به ما بپیوندید.» در رشت همیشه مقاوم با هوای سرد و سیل بازنشستگان مطالبه گر در مقابل اداره کل تجمع کرده و خواسته های خود را که شامل معیشت و درمان مناسب بود را در دست داشتند. در تهران مورد تهدید و فشار های پنهان و پیدا، بازنشستگان در مقابل تامین اجتماعی با دست نوشته های اعتراضی خود تجمع کردند. چه در رشت و چه در تهران که با همراهی پلیس سیاسی همراه است عکاسان از بازنشستگان عکس می گرفتند که در تهران بازنشستگان به عکاسان، نیروهای انتظامی، امنیتی گفتند: «که چند سال دیگر که بازنشسته شدید شما هم باید در کنار ما تجمع کنید» ناپدید شدن نوروز ذبیحی بازنشسته تهرانی موجی از خشم را در میان بازنشستگان برانگیخته است. یک بازنشسته متحد تهرانی می گفت: «صبح که بیدار می شویم از دیشب که خوابیده ایم فقیرتریم. نه قمار کرده ایم نه دزد به خانه مان آمده نه. حتا کار اقتصادی انجام داده ایم، فقط کشورمان دست مسوولینی است که با دزدها برادرند.» روسای تامین اجتماعی، وزارت کار، معاون رییس دولت، و حتا خود رییس دولت چنین وانمود می کنند که صدای بازنشستگان را نمی شنوند اما از تهدیدهایی که بازنشستگان مطالبه گر را می کنند معلوم است که چقدر از این تجمعات در عذاب هستند. از امروز فراخوانی در فضای مجازی منتشر شده است که بازنشستگان شرکت نفت را برای ۲۷ بهمن در مقابل وزارت نفت دعوت کرده ند. ۴۶ سال پیش هم حاکمان نخواستند صدای مطالبه گری مردم را بشنوند و دچار سیل خشم مردم شدند و امروز جز بدنامی در تاریخ حاصلی نبردند.

نه آن مسوولان و نه این مسوولان نخواستند بپذیرند که: «ظلم پایدار نیست»  
بازنشستگان متحد تهرانی

## بخشی از خواسته‌های بازنشستگان شوش و کرخه و هفت تپه

ما بیمارستان نداریم: به همین دلیل برای خیلی از بیماری‌ها به شهرهای اطراف می‌رویم. نزدیکان مریض ما بارها به همین دلیل فوت شده‌اند، چون در مسیر طولانی انتقال، زمان طلایی درمان از دست می‌رود.

ما بهداشت نداریم: خیابان‌های شهر پر از زباله است، فاضلاب روباز شهری بارها بالا زده، و بیماری‌های واگیردار در کمین کودکان و سالمندان ماست. اما هیچ نظارتی نیست، هیچ برنامه‌ای برای اصلاح این وضعیت نداریم.

ما رفاه نداریم: در شهری که روزگاری مهد تمدن بوده، حالا بازنشستگان و کارگران برای تأمین نان شب در مضیقه‌اند، و جوانان یا بیکارند یا مجبور به مهاجرت.

ما کشاورزی پررونق نداریم: در سرزمینی که روزی مهد کشاورزی بود، زمین‌های تشنه، رودخانه‌های خشک، و دست‌های خالی کشاورزان نشانه‌ای از بی‌توجهی و سوءمدیریت است.

ما عدالت نداریم: شوش با تاریخ کهن و میراث جهانی‌اش باید در اوج باشد، اما فقر، مشکلات درمانی و معیشتی، و بی‌توجهی مسوولان، آن را به شهری فراموش‌شده تبدیل کرده است.

اما ما امید داریم... ما ایستاده‌ایم، حق خود را می‌خواهیم و برای ساختن آینده‌ای بهتر تلاش می‌کنیم. شوش شایسته‌ی زندگی شایسته است، نه رنج بی‌پایان

## افشاگری وزیر کار یا ...؟!؟!؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، وزیرکار در جلسه‌ای با بازنشستگان کشوری که فیلم آن موجود است خطاب به آنان چنین افشاگری نمود: «... امروز به اراده یک نفر شما می‌توانید هر کسی را مدیرعامل مهمترین شرکت های ایران

بکنید... بازنشستگان در سراسر کشور خرید اقساطی می کنند اما این اقساط به جای واریز به شرکت قسطی دهنده صرف پرداخت حقوق عده ای در جای دیگر می شود... شما در جریان نیستید که مبلغ پرداخت شده از بیمه تکمیل درمان شما پول کسر می شود اما در جای دیگری به جای بیمه تکمیل خرج شده است...» پرسشی که به ذهن خطور می کند که چرا آقای میدری به جای افشاگری، این مافیای را به قوه قضاییه و یا دستگاه امنیتی معرفی نمی کند تا اصلاح صورت بگیرد؟؟ چرا هم ایشان و هم دیگر مسولین ژست اپوزیسیون می گیرند؟ آیا این ژست ها برای این نیست که کارهای غیرقانونی خود را پنهان کنند؟؟ و یا در وظایف خود عمدن قصور ورزند؟؟ کارگران می گویند اگر راست می گویی در شورای عالی تعیین حداقل دستمزد طرف مافیای را نگیر و اجازه بده طبق ماده ۴۱ مزد تعیین بشود کاری که موظف به انجام آن هستی. یا تلاش کن پول بیمارستان های فروخته شده به دولت را به صندوق تامین اجتماعی برگردانی و اگر نمی توانی، حداقل این بیمارستان ها را به سازمان تامین اجتماعی برگردان تا بیمه شده این همه در صف انتظار نماند. در بیمارستان هایی که یک طبقه خود را به مافیا و ثروتمندان اختصاص داده اند مانند بیمارستان میلاد، آن را به بیمه شده ها باز گردانید. چرا اجازه داده اید حق بیمه کارگران به جای صندوق تامین اجتماعی به اداره دارایی ریخته شود؟؟ و یا اینکه حقیقت دارد هر ماهه ۷۸ میلیون تومان به طور غیرقانونی به میرهاشم موسوی مدیرعامل سابق تامین اجتماعی همچنان از جیب کارگران و بازنشستگان داده می شود؟؟ بخور بخور در تامین اجتماعی و وزارت کار به ویژه در بخش بازرسی را می بینی بعد جلسه تحقیق برای بازنشستگان کشوری می گذاری؟؟ همه مردم ایران می دانند که با وجود بی لیاقت هایی چون مدیران دولتی، مافیا از جیب مردم ایران هر روز می دزد و کسی هم دم بر نمی آورد. بدهی به داروخانه ها، کش رفتن بیمه عمر بازنشستگان، قطع همکاری مراکز درمانی با بیمه پردازان تامین اجتماعی بخشی از عدم نظارت وزیرکار در خصوص اندوخته های زحمتکشان است. شفاف سازی خواست همه زحمتکشان در خصوص عملکرد اداری مالی مدیران تامین اجتماعی و وزارت کار و مدیران شستا در زمینه درآمدها و هزینه هاست.

## بازنشستگان متحد تهرانی

## مصاحبه مسوول سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران با خبرگزاری ایلنا



ابعاد مختلف ابلاغیه وزیر کار درباره شرکت‌های تابعه وزارتخانه/ شفاف‌سازی کنید و به قیمت برکناری پای اصلاح شستا بمانید کد خبر : ۱۵۷۵۲۳۹

دستورالعمل اخیر وزیر کار برای بازنگری در نظام مدیریت بومی شرکت‌های تابعه وزارت کار و صندوق‌های بازنشستگی واکنش‌های مختلفی را در میان محافل کارشناسی و صنفی به همراه داشته است. به گزارش خبرنگار ایلنا، طی هفته پایانی آذرماه وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در اقدامی قابل تقدیر، شش دستورالعمل اجرایی برای کلیه شرکت‌های تابعه سازمان تامین اجتماعی و از جمله شرکت سرمایه‌گذاری سازمان تامین اجتماعی (شستا) را ابلاغ کرد؛ این شش مورد بیش از هرچیز به موضوع انتخاب اعضای هیات مدیره‌ها و مدیران عامل اشاره دارد که در صورت عدم اجرا جریمه‌ها و برخوردهایی نیز در آن در نظر گرفته شده است؛ دستورالعملی که تاکید آن بیش از هرچیز بر بومی‌گرایی، منطقه‌محوری و توسعه استانی و کاهش هزینه‌های وزارت کار برای اداره شرکت‌های تابعه و زیرمجموعه صندوق‌های بازنشستگی بوده است. موارد مطرح شده در این دستورالعمل‌ها به شرح ذیل است: ۱) (به کارگیری «بومی» اعضای هیات مدیره شرکت‌های اقتصادی. ۲) استخدام نیرو در شرکت‌ها در قالب آزمون. ۳) اینکه نباید در مجموعه‌های اقتصادی مدیران پروازی باشند. ۴) اینکه حساب‌های بانکی شرکت‌ها باید به منطقه محل فعالیت برگردد. ۵) خرید تجهیزات، داخل استان انجام شود و در نهایت دستورالعمل ۶) مبنی بر اینکه صنایع باید در انجام مسئولیت‌های اجتماعی، «آموزش و پرورش و فنی و حرفه‌ای» را اولویت اصلی در نظر بگیرند. وزیر کار تأکید کرده است که تخطی از این اقدامات منجر به برکناری مدیرعامل و اعضای هیات مدیره شرکت خواهد شد. او تأکید دارد که این ابلاغیه، می‌تواند به ملی شدن شرکت‌ها و صناعی منجر شود که امروز با استفاده از منابع و پول‌های ملی اداره می‌شوند، اما ملی عمل نمی‌کنند. به عنوان مثال جمع‌شدن منابع مالی در تهران و محروم کردن استان‌ها

از این منابع، به معنای محرومیت استان‌ها از ثروت‌های خودشان و سایر آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی دیگر، هم‌زمان برای مرکز و استان‌های پیرامون است.

## وزیر کار مسیر شفاف‌سازی را پی بگیرد!

مازیار گیلانی نژاد (فعال کارگری و نماینده بخشی از کارگران پروژه‌ای و پیمانکاری نفت و گاز در جنوب کشور) در این رابطه با تاکید بر مشکلات ساختاری شرکت‌های تابعه وزارت کار و از جمله شستا گفت: اولین موضوعی که توی ذوق کارگران و بازنشستگان درباره شستا می‌زند، ادعاهای عجیبی است که نسبت به ظرفیت بالای آن می‌شود. مثلاً شستا با آن عظمت چطور می‌تواند تنها با سود خود تامین کننده فقط ۵ درصد منابع پرداخت مستمری‌های بازنشستگان تامین اجتماعی باشد؟ ما به اساس این آمارها شک داریم و معتقدیم سود شستا هم اکنون نیز بیشتر از آن است که فقط ۵ درصد را تامین کند! وی افزود: مهمترین چیزی که اگر قصد اصلاح وجود دارد، درباره شستا و سایر شرکت‌های تابعه صندوق‌های بازنشستگی لازم است، شفاف‌سازی است. آقای میدری باید از این شرکت‌ها یک اتاق شیشه‌ای بسازد که هیچ حرکتی در آن‌ها قابلیت پنهان کردن نداشته باشد؛ آن وقت می‌توان راحت و آسوده و بدون زحمت فراوان هر فساد و رابطه و ویژه‌خواری را شناسایی و برخورد کرد. اتفاقی که اخیراً در مجارستان و کره جنوبی افتاد و کوچک‌ترین سوءاستفاده بستگان حاکمان از قدرت، راس مجموعه سیاسی را تکان داد، بخاطر وجود همین شفافیت بود. این فعال کارگری ادامه داد: قطع کردن دست ویژه‌خواران قطعاً مورد استقبال همه است. اما استانی کردن مدیران شستا و سایر شرکت‌ها مسائل دیگری را نیز در پی دارد. باید پاسخ داد که درآمدها و مصارفی که شرکت‌ها بین استان‌ها دارند، چگونه تنظیم و توزیع می‌شود؟ اکنون که شستا به صورت متمرکز در تهران مدیریت می‌شود، باز هم مدعی است که نمی‌تواند سود خاصی به بیمه‌شدگان تامین اجتماعی بپردازد. اگر مدیران بومی در استانی مثل خوزستان شرکت‌های شستا را جمع کنند، به راحتی می‌توانند در پرداخت مستمری انبوه بازنشستگان آن استان مشارکت کنند. اما در مناطقی مثل ایلام، کردستان و سیستان و بلوچستان که کمترین شرکت وجود دارد و بیشتر کارگران آن مهاجر بودند، چگونه می‌تواند کمی از ناحیه شرکت‌ها در این مناطق محروم داشت؟ گیلانی نژاد با بیان اینکه «خود شستا و شرکت‌های تابعه نیز مانند دولت که ابر بدهکار است، به بازنشستگان صندوق‌ها بدهکار هستند» گفت: مواردی مثل کمک به باشگاه‌ها و مربیان فوتبال در چهارچوب موضوع خطرناکی به نام «مسئولیت‌های اجتماعی» از جیب شرکت‌های شستا، بسیار موضوع مهمی است و باید پیگیری شود. ما ابتدا باید بدانیم کل اموال شستا و شرکت‌های تابعه دیگر چقدر ارزش دارد؟ دوم آنکه پس از احصاء اموال، باید درآمدهای آن را شناسایی و در راستای شفاف‌سازی، کلیه هزینه‌های آن را هم محاسبه کنیم. در چنین شرایطی تازه می‌توانیم یک تصویر از شرکت‌های تابعه وزارت کار و صندوق‌های بازنشستگی داشته باشیم. وی تاکید



کرد: باید برای اصلاح هیات مدیره‌ها نظام پاداش‌دهی را نیز اصلاح کرد. مدیری که در شرکت زیان‌ده زیرمجموعه شستا و وزارت کار نتوانسته هیچ تغییری ایجاد کند یا سود شرکت را کاهش داده و حتی زیان ده ساخته است، چرا باید از هدایا، مزایا و پاداش‌های جاری و روتین مدیران شستایی بهره‌مند شود و فیش حقوقی او با سایرین تمایزی پیدا نکند؟ حقوق‌های نجومی پرداختی نیز بطورکلی باید بازنگری شوند. بسیاری از مدیران پیشین هنوز وام‌های خود را ذیل شستا تسویه نکردند. این‌ها حساب و کتابی است که باید حل شود. این فعال کارگری تصریح کرد: در این روزها گفته می‌شود که شستا نیروی انسانی مازاد دارد. ما این را تایید می‌کنیم اما اگر قرار است نیروهای مازاد سفارشی افراد خاص تعدیل شوند، نباید از کارگران شروع شود. ما بسیاری از پست‌های مدیریتی مازاد را داریم که اتفاقاً شاید ۵ یا ۱۰ برابر یک کارگر نیز روی فیش حقوقی‌شان دریافتی داشته باشند. پس ابتدا باید این نیروهای مازاد در سطح مدیریت حذف شوند و کارگران شرکت‌های شستا باید در اولویت آخر در تعدیل نیروی انسانی مازاد قرار گیرند. البته با وجود فشارها و تعارض منافع، ما چندان امیدی به این تغییرات ادعایی نداریم، اما مسیر اصلاحی اگر وجود داشته باشد و اراده‌ای برای تغییر دیده شود، باید خود را از این مسیر عبور کند؛ یعنی کارگران و بازنشستگان در اولویت باشند!

## مصاحبه یوسف موحدی منش از بازنشستگان متحد تهران با خبرگزاری ایلنا!

ادغام صندوق‌های ورشکسته با تامین اجتماعی یعنی «مصیبت»!

کد خبر: ۱۵۷۶۴۷۴

ادغام صندوق‌های خالی و غارت شده مانند صندوق بازنشستگان فولاد با تامین اجتماعی، خود «مصیبتی» دیگر است که جز تشدید بحران ناترازی صندوق تامین اجتماعی، دستاوردی نخواهد داشت. به گزارش خبرنگار ایلنا، ادغام صندوق‌های بازنشستگی با تامین اجتماعی، یکی از مولفه‌های لایحه بودجه ۱۴۰۲ بود. دولت پیش‌بینی کرده بود این صندوق‌ها از جمله فولاد و کشوری با صندوق تامین اجتماعی ادغام و دارایی‌های آن‌ها یعنی عموماً شرکت‌های ورشکسته و زیان‌ده به عنوان رد دیون دولت به تامین اجتماعی واگذار شود. این بخش از لایحه بودجه در مجلس حذف شد اما گویا برای همیشه منتفی نشده است؛ برای نمونه، «احمد فاطمی» عضو کمیسیون اجتماعی مجلس و رئیس کمیته اجتماعی کمیسیون تلفیق بودجه، درباره سرنوشت ادغام صندوق‌های بازنشستگی کشوری، هما و فولاد با تامین اجتماعی گفته است: دولت باید لایحه‌ای برای تعیین تکلیف این صندوق‌ها و بدهی ۵۰۰ همتی خود به تامین اجتماعی به مجلس ارسال کند. این نماینده مجلس تاکید کرده است: «دولت باید این

کار (ادغام صندوق‌ها) را انجام دهد چون ۷۰۰ همت به تامین اجتماعی بدهکار است». فاطمی در مورد رد دیون دولت به تامین اجتماعی اعلام کرده: «ما در بودجه و در بخش جداول قرار است ۲۰۰ همت آن را از طریق اوراق و مسائلی از این دست در نظر بگیریم. دولت برای تسویه ۵۰۰ همت دیگر باید لایحه‌ای به مجلس بدهد و تکلیف را روشن کند». مکانیسم رد دیون انباشته‌ی دولت به تامین اجتماعی که امروز دیگر سر به فلک کشیده و از مرز هزار همت هم تجاوز کرده، چالشی پُر دامنه در تمام دولت‌هاست؛ می‌توان ادعا کرد هیچ دولتی، به فکر تسویه کامل این بدهی از طریق اموال سودآور نبوده و شرایط همواره به شیوه‌ی باری به هر جهت و گذران امور روزمره مدیریت شده است؛ امروز نیز راه حل بحران تامین اجتماعی و تسویه بدهی هزار همتی دولت به تامین اجتماعی، واگذاری شرکت‌های زیان‌ده زیرمجموعه صندوق‌های بازنشستگی نیست که اگر این شرکت‌ها سودآور بودند، دست صندوق‌هایی مثل فولاد مدام در جیب خزانه و بودجه‌ی دولت نبود. دولت با قیمت‌گذاری نامصنفا‌نه سهام این شرکت‌ها فقط از خود رفع مسئولیت خواهد کرد با این ادعا که «ما» بخشی از بدهی سنگین خود به صندوق تامین اجتماعی را تسویه کردیم. آیا می‌خواهند روزگار تاریک‌تری برای تامین اجتماعی رقم بزنند و سقوط وضع معاش بازنشستگان را که همین امروز یک‌چهارم خط فقر حقوق می‌گیرند و هفته‌های متوالی در حال اعتراض هستند، تشدید کنند؟

«یوسف موحدی‌منش» فعال صنفی بازنشستگان تامین اجتماعی با بیان اینکه تحمیل بار اضافه بر گرده‌ی تامین اجتماعی قابل قبول نیست؛ به این‌ها گفت: هر نوع توافقی بدون در نظر گرفتن نظرات نمایندگان واقعی کارگران و بازنشستگان، از اساس مردود است. او در پاسخ به نماینده مجلس در ارتباط با میزان بدهی دولت به تامین اجتماعی گفت: اولاً بدهی دولت به سازمان خیلی بیشتر از این مبالغ است، رقم بدهی بیش از هزار همت است و دوماً به علت تورم موجود و پایین آمدن سال به سال ارزش پول ملی، تادیه دیون باید طبق قیمت روز محاسبه شود که اگر همان سال‌های دور بدهی‌ها پرداخت می‌شد، امروزه وضعیت صندوق تامین اجتماعی این نبود! به گفته این بازنشسته، دولت‌ها چهار سال سر کارند و در این مدت در مورد سازمان تامین اجتماعی با قدمت ۵۰ ساله حداکثر دید میان مدت دارند و بیشتر به فکر رفع مشکلات خودشان هستند تا مشکلات سازمان به همین دلیل در رابطه با سازمان دولت‌ها باید بیشتر نقش تسهیل‌کننده داشته باشند تا اداره کننده و تحمیل‌گر بسیاری از مشکلات تامین اجتماعی برآمده از عملکرد سودجویانه‌ی دولت است؛ افزود: برای نمونه، تصدی حدود ۶۷ درصد سهام بانک رفاه کارگران توسط دولت به جای سازمان تامین اجتماعی، مورد اعتراض کارگران و بازنشستگان است و سودهای این ۶۷ درصد باید به سازمان منتقل شود تا کمکی باشد به حل مشکلات متعدد سازمان. این فعال صنفی اعتقاد دارد؛ رد بدهی‌های دولت به سازمان نباید به صورت اموال و کارخانجات زیان‌ده باشد و باید قبل از واگذاری کار کارشناسی و ارزش‌گذاری واقعی و نه صوری اموال با حضور نمایندگان

واقعی کارگران و بازنشستگان صورت گیرد. موحدی منش، پایبندی دولت به تعهدات بیمه‌ای خود را راهکار موثر دیگری برای بهبود اوضاع تامین اجتماعی می‌داند و در این رابطه می‌گوید: تعهداتی که دولت متعهد به آنها شده مانند پرداخت حق بیمه رانندگان، هنرمندان، کارگران ساختمانی و فرشباغان، خادمین مساجد، طلاب حوزه علمیه و... به طور روزمره برای دولت بدهی جاری ایجاد می‌کند ولی مدیران و مسئولان سازمان تامین اجتماعی برای دریافت و کاهش این دیون، عمل موثری انجام نمی‌دهند و این بدهی‌ها ماه به ماه بیشتر می‌شود و صندوق تامین اجتماعی روز به روز خالی‌تر می‌شود. دولت نه تنها به تعهدات بیمه‌ای و قانونی خود پایبند نیست بلکه اگر زمانی هم مقداری از بدهی‌های خود را پرداخت کند، با واگذاری سهام شرکت‌های ورشکسته نظیر هیکو یا زیان‌ده شده با قیمت بالاست و لاجرم اوضاع تامین اجتماعی سال به سال وخیم‌تر می‌شود. این فعال صنفی در پایان گفت: در این میان، تردیدی نیست که ادغام صندوق‌های خالی مانند صندوق بازنشستگان فولاد با تامین اجتماعی، خود «مصیبتی» دیگر است که جز تشدید بحران ناترازی صندوق تامین اجتماعی، دستاوردی نخواهد داشت.

## مصاحبه خسرو رنجبر از بازنشستگان متحد تهرانی: کانون عالی برای ترمیم مستمری و حفظ دارایی‌های بازنشستگان چه کرده است؟

یک فعال صنفی بازنشستگان، نتایج دیدار با کانون عالی بازنشستگان و طرح دغدغه‌های مستمری‌بگیران را تشریح کرد؛ به گفته وی، معاش بازنشستگان بسیار بحرانی‌ست. بازنشستگان تامین اجتماعی مطالباتی دارند که آن‌ها را هر یکشنبه به اعتراض صنفی می‌کشاند؛ بازنشستگان توقع دارند کانون‌های شهرستان‌ها و همچنین کانون عالی بازنشستگان، پیگیر حقوق و مطالبات قانونی آن‌ها باشند و با قدرت از دولت و نهادهای فرادستی مطالبه‌گری کنند. «خسرو رنجبر» بازنشسته کارگری در این رابطه می‌گوید: روز یکشنبه ۹ دی ماه ساعت ۱۰ صبح طبق قرار قبلی، حدود ۲۰ نفر از بازنشستگان تامین اجتماعی تهران با آقای اسدی رئیس کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی ملاقات داشتیم؛ در این ملاقات، عمده‌ی خواسته‌ها و مطالبات خود را طرح و خواستار پاسخ و پیگیری شدیم. همچنین سوالاتی از رئیس کانون عالی پرسیدیم که ایشان نیز پاسخ‌هایی دادند. این بازنشسته سوالات بازنشستگان از کانون عالی را تشریح کرد: سوالات و دغدغه‌های بازنشستگان بسیار است؛ از جمله، معوقات همسان‌سازی قبلی (۲۵ درصد) که از سال ۱۴۰۰ تاکنون پرداخت نشده بالاخره کی پرداخت خواهد شد؟! معوقات همسان‌سازی کنونی از اول ۱۴۰۳ کی پرداخت خواهد شد؟! راجع به تقاضای عاجل بازنشستگان در زمینه‌ی پرداخت ۲ ماه عیدی در سال چه اقدامی انجام شده است؟ رنجبر افزود: آیا درست

است که همه‌ی بیمارستان‌های ملکی تأمین اجتماعی قرار است به صورت هیات امنایی اداره شوند؟ پاسخ دقیق و روشن به این سوال برای بازنشستگان بسیار بااهمیت است چراکه بیمارستان‌های میلاد تهران و البرز کرج که به صورت هیات امنایی اداره می‌شوند نسبت به دیگر بیمارستان‌های ملکی، برخلاف منافع بیمه شدگان عمل می‌کنند و در این زمینه تجربه‌ی نگران‌کننده‌ای داشته‌ایم. این بازنشسته اضافه کرد: در برنامه پنجم توسعه و در بودجه ۱۴۰۴ ذکر شده که حق بیمه‌ها به حساب وزارت دارایی ریخته شوند، آیا این اقدام ضد تأمین اجتماعی خواهد شد یا منتفی شده است؟ ما پرسیدیم که موضع‌گیری سازمان تأمین اجتماعی و کانون عالی در این رابطه چه بوده است؟ به گفته این فعال صنفی بازنشستگان، تصرف ۶۳ درصد سهام تأمین اجتماعی در بانک رفاه کارگران توسط دولت، برای بازنشستگان کارگری قابل قبول نیست و ما می‌خواهیم بدانیم سازمان و کانون عالی بازنشستگان چه اقدام دفاعی برای برگشت مالکیت و بهره‌گیری از سود این سهام انجام داده‌اند. رنجبر تاکید کرد که «به اعتقاد درست کارگران و بازنشستگان، بانک رفاه، بانک عامل سازمان تأمین اجتماعی است و تمام سهام آن به این سازمان تعلق دارد». او افزود: اما مسئله مهم دیگر، پرداخت بدهی سنگین دولت به صندوق تأمین اجتماعی است و ما می‌خواهیم بدانیم کانون عالی چه فشاری به سازمان برای دریافت بدهی‌های دولت می‌آورد و چگونه و از طریق چه مکانیسمی این موضوع را دنبال می‌کند. این بازنشسته تصریح کرد: با توجه به عدم رعایت ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی، فاصله بسیار زیادی بین حداقل مستمری و خط فقر ایجاد شده است. خط فقر ۴۰ میلیون تومان است اما حقوق ما ۱۰ میلیون تومان؛ و ما باید بدانیم کانون عالی چه برنامه‌ای برای پر کردن این دره عمیق دارد؛ قرار است چطور مطالبه‌گری صورت بگیرد؟ رنجبر ادامه داد: و نکته پایانی اینکه در مجلس برای پیاده کردن همسان‌سازی بازنشستگان، یک درصد به مالیات ارزش افزوده اضافه کردند؛ این مالیات را همه طبقات مردم از جمله کارگران بازنشسته برای همه چیز پرداخت می‌کنند ولی حتی یک ریال از آن نصیب این بازنشستگان نمی‌شود! می‌بینیم که از این مالیات، بدهی دولت به کشاورزان پرداخت می‌شود ولی شامل حال بازنشستگان کارگری نمی‌شود. این تبعیض است و ما باید بدانیم کانون عالی به عنوان نماینده قانونی بازنشستگان چه اقداماتی برای شفاف‌سازی ماجرا و تعلق گرفتن اعتبار ناشی از افزایش مالیات بر ارزش افزوده به بازنشستگان تأمین اجتماعی صورت داده است. این فعال صنفی در پایان تاکید کرد: اینها دغدغه‌های جدی و اساسی کارگران بازنشسته است که باید کانون عالی بازنشستگان همه آن‌ها را با جدیت پیگیری و دنبال کند و البته نتایج مطالبه‌گری‌ها و عملکرد خود را به طور شفاف در اختیار جامعه‌ی هدف خود یعنی بازنشستگان و مستمری‌بگیران صندوق تأمین اجتماعی قرار دهد.

## مصاحبه مازیار گیلانی نژاد با خبرگزاری ایلنا!

ریشه‌های بدهی دولت به تامین اجتماعی؛ ۱۲ دیماه ۱۴۰۳  
دولت این ابربدهکار، زمام صندوق را در دست گرفته و آن را به سمت بحران هدایت کرده است.

به گزارش خبرنگار ایلنا، بحث بدهی دولت‌ها به تامین اجتماعی، یک بحث داغ است؛ برخی کارشناسان حجم بدهی دولت به تامین اجتماعی به همراه رقم به‌روزرسانی آن را بالغ بر هزار همت و حتی بیش از این برآورد می‌کنند؛ اما سوال این است که این بدهی از کجا نشأت می‌گیرد و چطور تا این اندازه انباشته شده است؟ «مازیار گیلانی نژاد» فعال کارگری در مقدمه گفتگوی خود به ماجرای انباشت بدهی اشاره کرد و گفت: بسیار شنیده‌ایم که دولت به سازمان تامین اجتماعی بدهکار است اما نمی‌دانیم چرا؛ در واقع دولت به دلیل عمل نکردن به تعهداتش در قبال سازمان تامین اجتماعی، سالهاست به عنوان بزرگترین بدهکار این سازمان بیمه‌گر شناخته شده است. اول باید بدانیم این بدهی چگونه ایجاد شد؟ قبل از هر چیز سه درصد حق بیمه سهم دولت برای بیمه‌شدگان عادی به تامین اجتماعی پرداخت نشده و اهمال در پرداخت این معوقه دهه‌هاست ادامه دارد اما ماجرا به همینجا ختم نمی‌شود.

### چرا بدهی‌های دولت انباشته شد؟

گیلانی نژاد اضافه کرد: قانون‌گریزی‌ها بسیار است؛ دولت متعهد است حق بیمه کارگاه‌های زیر ۵ نفر را که تعدادشان بیش از ۱ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر است، به تامین اجتماعی پرداخت کند که متأسفانه به این تعهد عمل نکرده است. با بازنشسته کردن اجباری کارگران کارخانه‌هایی که بر طبق ماده ۱۰ نوسازی صنایع جهت بهسازی محیط زیست، تعطیل شده و دست به اخراج کارگران خود می‌زنند، دولت متعهد شده است که ۵ سال حق بیمه آنان را بدهد تا بازنشسته شوند، که به این تعهد هم عمل نمی‌کند. ۷۶۰ هزار رانندگان تاکسی، بیمه‌شده‌ی تامین اجتماعی هستند که ۱۳.۵ درصد از حق بیمه را خودشان به صندوق تامین اجتماعی می‌پردازند و دولت باید ۱۳.۵ درصد باقیمانده‌ی حق بیمه این رانندگان را به سازمان پرداخت کند، که بازم هرگز به این تعهد قانونی عمل نکرده است. این سیاهه طولانی‌ست؛ دولت ۲۶ گروه میهمان ناخوانده را بر سر سفره تامین اجتماعی تحمیل کرده است از جمله هنرمندان، گروه‌های صنایع دستی، زنبورداران، خادمان مساجد و ... که پرداخت حق بیمه همه‌ی این گروه‌ها باید توسط دولت صورت گیرد، که البته هرگز پرداختی انجام نمی‌شود. هفت درصد حق بیمه اسیران جنگ ایران و عراق را که دولت متعهد شده به تامین اجتماعی پرداخت کند، واریز نمی‌کند. حق بیمه کارمندان دولتی که به زور توسط دولت به تامین اجتماعی آورده شده‌اند، هنوز پرداخت نشده است. او به برشمردن تخلفات دولت در تعامل با صندوق تامین اجتماعی ادامه داد: حق بیمه‌ی کارگران و کارمندان شرکت‌های دولتی همچون مخابرات، برق منطقه‌ای و ... که دولت باید به تامین اجتماعی پرداخت کند، پرداخت نمی‌شود. مبلغ خرید کارخانه‌های سوده که دولت از تامین اجتماعی با قیمت پایین خریداری کرده تاکنون پرداخت نشده از جمله کارخانه تولید

سانتریفوزر تسا در کرج. هزینه درمان بیماران غیر تأمین اجتماعی که در زمان کرونا در بیمارستان‌های تأمین اجتماعی بستری شدند، پرداخت نشده است. بدهی وزارت بهداشت به تأمین اجتماعی در پرداخت سرانه درمان بیمه شدگان تأمین اجتماعی در قالب طرح تحول بیمه سلامت پرداخت نشده است و همچنین خرید ۲۹ بیمارستان از تأمین اجتماعی که مبلغ توافق شده برای واگذاری آنها به تأمین اجتماعی داده نشده است. و وام‌های دریافتی (۳ میلیارد تومان) در زمان جنگ از بانک رفاه کارگران، هنوز تادیه نشده است.

### «ابریدهکاری» که همه چیز را در دست گرفته!

گیلانی نژاد در ادامه با تأکید بر اینکه «اینها تنها بخش کوچکی از ۶۷ مورد بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی است» افزود: طبق ماده ۲۲ آیین دادرسی مدنی، بدهی دولت به تأمین اجتماعی باید به روز محاسبه شود و سود مرکب به آن تعلق بگیرد که این اتفاق نمی‌افتد، دولت بدهی خود را بسیار ساده و در کمال بی‌انصافی محاسبه می‌کند؛ در بودجه سال آینده نیز رقم قابل قبولی برای پرداخت بدهی‌ها در نظر گرفته نشده؛ ضمن اینکه اگر قرار به پرداخت هم باشد باز هم به جایش شرکت‌ها یا کارخانه‌های ورشکسته را به تأمین اجتماعی تحمیل خواهند کرد آنهم با قیمت‌های نجومی و غیرواقعی. این فعال کارگری در پایان تأکید کرد: سازمان تأمین اجتماعی، یک سازمان عمومی و غیردولتی است که با مبالغ دریافتی از کارگران و بیمه‌شدگان ایجاد شده است. دولت حق دخالت در آن را ندارد اما هم در آن دخالت می‌کند و با تصویب قوانین ریز و درشت مناسبات این صندوق را برهم می‌زند و هم تمام مدیران آن را راساً بدون مشارکت صاحبان صندوق انتخاب می‌کند. این رویکرد دولت یعنی ابریده‌کار بزرگ یک سازمان برای عدم پرداخت بدهی خود، زمام کنترل آن را در دست گرفته و در عمل این صندوق را به سمت بحران و نابودی هدایت کرده است

### تأثیر عملکرد مافیا بر زندگی زحمتکشان!

وجود مافیا در عرصه اقتصاد، فرهنگ، سیاست از هیچ چشمی پنهان نیست. اختلاسها، دزدی‌های چند میلیارد دلاری، خروج ارز که ثروت ملی همه ایرانیان است، گرفتن وام‌های ۹۹۰ ماهه و ... در زندگی تک تک ایرانیان اثرات مخرب گذاشته است. به بخش کوچکی از این عملکرد مخرب می‌پردازیم: ۱- مافیا به دنبال ارزان کردن دستمزدها توسط اتاق بازرگانی و موسسه نذر و اشتغال اصفهان برای به بردگی کشاندن زحمتکشان است تا برای شکستن کمر صنعت، کارگران، پرستاران، دانشمندان، استادان دانشگاه را وادار به خروج از کشور کنند. ۲- دزدی‌ها و اختلاس‌ها باعث تورم ۲۰۰ درصدی در جامعه شده است که تأثیر آن بر روی کالاهای خوراکی، دارویی، لوازم خانگی، خدمات، اجاره مسکن را از هم اکنون مشاهده می‌کنیم که قدرت خرید را از همه مزدبگیران گرفته است. ۳- طی فقط دو

ماه گذشته دلاربازی مافیا به قیمت ۳۰ درصد کاهش پول ملی و کم ارزش شدن دارایی های همه مردم شده است. ۴- کاهش سرانه مصرف گوشت طی ۱۰ سال از ۱۲ کیلو به ۴ کیلو با بی ارزش شدن پول ملی منجر به افزایش بیماری ها در میان مزدبگیران شده و مرگ های زودرس را همراه است. آمار بهشت زهرا از متوسط سن مرگ ۶۲ ساله در تهران و در بلوچستان ۵۰ سال، می گوید. ۵- با اوج گیری خط فقر به ۴۷ میلیون تومان، ۷۰ درصد مردم ایران به زیر خط فقر رفته اند آن هم مردمی که دارای ذخایر زیرزمینی بی نظیر در دنیا است که توسط مافیا به غارت می رود. ۶- با مصوبات طرح ریزی شده توسط مافیا و افزایش واردات، کارگاههای کوچک ورشکسته شده و طبق آمار بیش از ۴۰ درصد افرادی که توانایی کار دارند، بیکار گشته اند. در ضمن دستفروشی، واسطه گری، پیک موتوری، اسنپ شغل محسوب نمی شود چون از مزایای بیمه، امنیت شغلی و دیگر قوانین قانون کار بهره مند نیستند. ۷- مافیا با کاهش ۳ میلیارد دلاری بودجه واردات غذا و دارو در سال آینده، سلامت ایرانیان را به بازی گرفته و خطر مرگ را بالا می برد. این کار مافیا، باعث افزایش قیمت ۳۰۰ درصدی دارو در سال آینده خواهد شد و بیشترین مرگ در بیماران خاص اتفاق خواهد افتاد. یعنی مرگ سریع برای مزدبگیران و فقرا. ۸- گران کردن ۳۵ درصدی دلار طی ۲ ماه اخیر باعث اوج گرفتن گرانی کالاها، حمل و نقل، لاستیک، لباس، کفش شده است. ۹- با گران شدن ۳۵ درصدی قیمت دلار به گفته رییس انجمن صنایع شوینده، شوینده ها با افزایش ۴۰ درصدی روبروست. این یعنی حمام رفتن و لباس شستن هم 40 درصد گران شد. آیا باز هم می توان شعار: «النظافت من الایمان» را اجرا کرد؟ ۱۰- با کشف خط لوله ۲ کیلومتری سرقت سوخت هواپیما از پالایشگاه بندرعباس که به تازگی کشف شده، آنهم روزانه ۷۰ هزار لیتر، سالهاست به وارد کننده بنزین تبدیل شده ایم که از جیب همه مردم تامین می شود.

بسیاری از کارگران از ما می پرسند این مافیا کیست؟

پاسخ ما را وزیر نفت که از آنان سوخت می خرد و یا نمایندگان مجلس که قانون مالیات نگرستن از وارد کنندگان خودروهای بالای ۵ میلیارد تومان را مصوب می کنند، اتاق بازرگانی که اجازه واردات چوب بستنی و پوست خربزه و دسته بیل را می دهند، مسولین بانک مرکزی که دستور وام های بدون بازگشت را امضا می کنند و دهها نهاد نظارتی دیگر باید بدهند. مافیا همین جاست و همه مسولین هم آنها را می شناسند.

## مدیران نئولیبرال چه می گویند؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، نشست در ۱۷ آذر با حضور معاون روابط کار وزارت کار در موسسه کار و تامین اجتماعی برگزار شد که در آن معاون مدیر کل دفتر سیاست گذاری و توسعه اشتغال گفت، «پیدایش کارپذیر آزاد و پدیده ای بدیع به نام «ابر انسانی» و دگرگونی واژه های کارگر و دستمزد مواجه هستیم». در این نشست غلامحسین حسینی نیا نماینده دولت در سازمان بین المللی کار نیز گفت: «افزایش دستمزد بالاتر از توان کارفرمایان است و باعث کاهش سرمایه گذاری و تولید رشد منفی اقتصادی و بیکاری کارگران می شود.» معنی این حرف ها این است که دستمزد افزایش چندانی نخواهد یافت. مدیران نئولیبرال که دلشان برای کارفرمایان می سوزد و از بالا رفتن دستمزد کارگران هراسناک اند بی دلیل واژه «ابرانسان» را به کار نمی برند. ابرانسانی!! که ۴ برابر زیر خط فقر زندگی می کند، طی دو ماه گذشته با ترفند مافیای دلار باز ۳۰ درصد از توان خریدش را با از بین رفتن ارزش پول ملی از دست داده است. این ابرانسان!! سن متوسط زندگی در این دنیا به گفته ریاست ثبت احوال در تهران ۶۲ سال و در سیستان بلوچستان ۵۰ سال است و قبل از رسیدن به سن بازنشستگی می میرد. فقر، تغذیه نامناسب، ضعف بهداشت و نبود امکانات مناسب درمانی، بیکاری و نگرانی بیش از اندازه در زندگی روزمره مشخصات این ابرانسان است. پیام ما به معاون روابط کار وزارت کار این است: کارگر تا زمانی که مزدبگیر است کارگر باقی می ماند و از دوره رضاخان بسیاری تلاش داشته اند واژه زیبای «کارگر» را به حمال و کار پذیر تبدیل کنند اما آنان رفته اند و کارگر همچنان کارگر باقی مانده است.

*تحریریه پیام سندیکا*

## قوانین ضد کارگری موقوف!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کمال رضوی مدیرکل وزارتی طی نامه ای به تاریخ ۲۹ آذر ۱۴۰۳ به مدیران کل آذربایجان شرقی، اردبیل، خراسان جنوبی وزارت کار نگاشته و از قول وزیرکار دستور داده است طرحی تهیه شود تا در آن طرح هم کارگران و هم کارفرمایان بتوانند با استعلام از وزارت کار از وضعیت تعداد شکایت علیه کارگر و یا علیه کارفرما مطلع شوند تا در موقع استخدام بتوانند تصمیم درست برای استخدام شدن و یا استخدام کردن را داشته باشند. این طرح به ظاهر ساده در حقیقت علیه کارگران حق طلب است تا توسط این طرح هیچ کارگری جرات شکایت از کارفرمایان را نداشته باشد و تقریباً همه فعالین کارگری از این طریق از بازار کار بطور خودکار حذف خواهند شد. ما نمی دانیم چه کسانی به آقای وزیرکار چنین طرح های ضد کارگری را پیشنهاد می دهند اما می دانیم که کارفرمایان نه تنها از این طرح استقبال خواهند کرد بلکه با این طرح پیروز میدان خواهند



بود. چرا که آنان دارای امکاناتی از قبیل وقت و وکیل هستند و به راحتی چنین استعلامی هایی را می توانند بدست بیاورند، حتی اگر بعد از استخدام هم متوجه شوند می توانند با توسل به این طرح کارگر را اخراج کنند. اما کدام کارگری این فرصت و امکانات را دارد که بداند این کارفرما تاکنون توسط چند کارگر شکایتی داشته است؟ از سوی دیگر کارگری که بعد از ماهها بیکاری با یک فرصت کاری مواجه است چگونه می تواند در مدت بسیار محدود چند ساعته سابقه کارفرما را از اداره کار استعلام کند؟ تا به اداره کار مراجعه و استعلام بگیرد صدها کارگر بیکار جای او را اشغال خواهند کرد. در همه دنیا قانون برای آحاد ملت و به ویژه اکثریت مردم نوشته می شود تا بتوانند از حقوق خود در مقابل قوی تر از خود دفاع کنند. اینگونه طرح های ضد کارگری برای خلع سلاح طبقه کارگر و رویگردان کردن زحمتکشان از مبارزه برای کسب حقوق کارگری و انسانی نوشته می شوند. اما زهی خیال باطل.

تحریریه پیام سندیکا

## نتایج درخشان اولین نشست شورای عالی دستمزد!!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، اولین نشست شورای عالی دستمزد پس از ده ماه عقب افتادگی، روز گذشته ۱۹ دیماه در تهران برگزار شد و در خصوص موضوع های بی اهمیتی چون بن و حق مسکن کارگری بحث شد. اسعد صالحی نماینده کانون عالی انجمن های صنفی کارگران پیشنهاد افزایش ۳۵ درصدی!! حق مسکن ۹۰۰ هزار تومانی را داد. در این جلسه وزیرکار و پروانه رضایی بختیاری معاون روابط کار نیز حضور داشتند. از سوی دیگر کارفرمایان باز هم اجرای طرح مزد منطقه ای را پیش کشیدند. چند نکته در این نشست به چشم می خورد: ۱- وقتی به جای علیرضا میرغفاری که سال پیش از سوی کانون عالی انجمن های صنفی کارگران به نمایندگی از سوی کارگران پیشنهاد حداقل حقوق ۱۵ میلیونی را داد کسی مثل اسعد صالحی فرستاده می شود و ایشان با افتخار از افزایش ۳۵ درصدی!! حق مسکن خود با افتخار به خبرگزاری ایسنا رونمایی می کند، می توان به فاصله این دو نماینده پی برد. اسعد صالحی چه فکری کرده است که فکر می کند با ۳۰۰ هزار تومان افزایش حق مسکن و رساندن آن به ۱ میلیون ۲۰۰ هزار تومان کاری بس مهم انجام داده است؟ ۲- کارفرمایان برای تفرقه افکنی بین کارگران باز هم موضوع دستمزد منطقه ای را مطرح می کنند تا کارگرانی که در شهرها هستند به قول خودشان دستمزد بیشتری از کارگرانی که در روستاها و شهرهای کوچک زندگی می کنند، دستمزد بگیرند. در حالی که گوشت، برنج، روغن، شکر، نان، جای... در همه جای ایران قیمتی یکسان دارند پس چرا باید کارگری که در رامهرمز و یا ایذه و جیرفت... کار می کند، دستمزد کمتری بگیرد؟ ۳- وزیرکار در این نشست از نمایندگان کارگری و کارفرمایی خواست برای افزایش قدرت خرید خانواده های کارگری راهکار ارائه دهند.

نتیجه اینکه، وقتی نمایندگان کارگری آنقدر بی اطلاع و دست خالی به مذاکره می روند می شود این. زنده باد ۳۵ درصد افزایش حق مسکن کارگری!!!  
 تحریریه پیام سندیکا

## از مزد منطقه ای تا اصلاح بیمه بیکاری!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با آمدن دولت جدید ترندهای کهنه و جدیدی برای محدود کردن دستاوردهای زحمتکشان تدارک دیده می شود. این انجام شدنی نیست مگر با به کار گرفتن عناصری که به طبقه خود پشت می کنند. از جمله فرستادن نماینده ای به جای میرغفاری به شورای عالی دستمزد که با پیشنهاد افزایش مسخره ۳۵ درصد حق مسکن فکر می کند پهلوانی کرده است. اینها همان موریانه هایی هستند که به جان دستاوردهای زحمتکشان افتاده اند تا از این دستاوردها هیچ نماند. از طرفی می بینیم که کارفرمایان بازم با طرح ضد کارگری مزد منطقه ای و برای گرسنگی دادن به کارگران شهرستانی در شورای عالی دستمزد به میدان آمده اند. از سوی دیگر مدیران ننوئیرال که به دنبال قانون زادیی از روابط کار هستند و به فکر جیب کارفرمایان هستند تحت پوشش اصلاح قانون بیمه بیکاری هستند. در اواخر آبان رییس اداره بیمه بیکاری سازمان تامین اجتماعی گفت: «تعداد مقرری بگیران بیمه بیکاری در شهریور امسال نسبت به سال گذشته کاهش چشمگیری یافت که با توانمندسازی و آموزش از تیرماه ۱۴۰۰ تاکنون از ۲۷۰ هزار نفر به ۱۴۰ هزار نفر رسیده است» آیا این آمار به معنای کاهش نرخ بیکاری است؟ و کارگران بیکار شاغل شده اند؟؟ آنچه در جامعه کارگری رواج بی سابقه دارد بیکاری است که هیچ جایی ثبت نمی شود از کارگران پروژه ای بیکار شده تا هزاران دستفروشی که هر روز در جامعه بیشتر می شوند. کاش این مدیران حلقه به گوش سرمایه داری نگاهی به افزایش تعداد رانندگان اسنپ و پیک های موتوری می انداختند تا از اینگونه فریب دادن ها خجالت بکشند. در قانون ضد کارگری «اصلاح قانون بیمه بیکاری» کارگران ملزم شده اند بخشی از درآمد خود را به پرداخت بیمه بیکاری اختصاص دهند و یا دریافت مقرری بیمه بیکاری به ۳۰ ماه برای متاهلین و ۲۴ ماه برای مجردین کاهش یافته است و دوره دریافت مقرری بیکاری که جزو سوابق محسوب باید بشود به یک سال کاهش یافته است. این اصلاح قانون کار یعنی درآمدزایی از جیب کارگران و پوشش ناترازی صندوق و سومدیریت ها را کارگران باید ضررش را بدهند. پوشش گسترده بیمه بیکاری حق همه کارگران است و باعث خواهد شد همه کارگران از امنیت روانی با ثبات تری برخوردار باشند و به دره فقر و گرسنگی و تباهی فرو نروند. کارشناسانی که اینگونه طرح های ضد کارگری را پیشنهاد می دهند جز به نابودی طبقه کارگر نمی اندیشند.

تحریریه پیام سندیکا

## اخراج کارگران با چه منطقی!!!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با اعتراضات به حق کارگران در خصوص مطالبات قانونی، کارفرمایان دست به اخراج دست جمعی می زنند. در ۱۸ دیماه بیش از ۱۰۰ کارگر معدن طلای مزرعه شادی ورزقان که از شرایط غیراستاندارد کاری و دستمزدهای نازل در مقابل فرمانداری شهرستان دست به تجمع زده بودند، همگی با حکم اخراج مواجه شدند. ۲۷ دیماه نیز ۳۰۰ کارگر شرکت پانیا پرتو کهربا در شهرک صنعتی اندیمشک در اعتراض به عقب افتادن ۳ ماهه دستمزدها، ندادن فیش حقوقی به کارگران، ندادن غذا و پرداخت نشدن حق سختی کار به تامین اجتماعی دست به اعتراض زدند. واکنش مدیریت هم این بود که از ورود کارگران شیفت شب به بهانه تعطیلی کارخانه خودداری کرده است. این کارخانه ای است که بسیار وضعیت مالی خوبی دارد و سه شیفت کار می کند. واقعاً در شهر اندیمشک وزارت کار و بازرسانش چه می کنند؟ که به این اعتراض رسیدگی نکرده و موجب خشم کارگران می شوند؟ در کجای قانون کار نوشته شده است ۳ ماه کارفرما حق دارد دستمزد کارگر را نپردازد؟ غذا ندهد؟ از دادن فیش حقوقی به کارگر خودداری کند؟ و کارگران شیفت شب را تهدید به اخراج و همه کارگران شرکت را با موضوع تعطیلی کارخانه بترساند. نکند به تازگی این موارد جزو قانون کار شده که بازرسین و مدیرکل وزارت کار اندیمشک آن را ننید می گیرند؟ آیا حق کارگر معدن نیست که در وضعیت نبود ایمنی استاندارد از رفتن به داخل معدن خودداری کند؟ و پاسخ این کار که حفظ جان و اموال کارفرماست، اخراج دستجمعی باید باشد؟ مسوولین شهر، از فرماندار و شهردار و اداره کل وزارت کار ورزقان چرا سکوت مرگ گرفته اند؟ آیا چون نان کارگر دست کارفرمایان ضد قانون است می توانند به هر بی قانونی دست یازند و به کسی هم پاسخگو نباشند و کارگران را به زور وادار به هر عمل غیرقانونی کنند؟ این دست کارها در حقیقت پیامی است که در این روزها به نمایندگان کارفرمایی حاضر در شورای عالی تعیین حداقل دستمزد ارسال می شود که: «تا می توانید حق کارگران را ضایع کنید چون نان کارگر دست ماست» ما از کارگران اندیمشکی انتظار داریم با اخراج هر کارگر، از جایگزین شدن در این کارخانه خودداری کرده و با تحریم کارگری نه تنها پاسخ مناسبی به اینگونه حرکت های کارفرمایان ضد قانون بدهند، بلکه از برادران کارگر خود نیز حمایت کرده تا همه بدانند «کارگر متحد کارگر» است.

تحریریه پیام سندیکا

## تورم در یک نگاه!!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، توفان گرانی سفره های مردم ایران را هر روز خالی تر می کند که نه دولت و نه مسولین به این واقعیت نمی خواهند پردازند. برای آنکه مستند صحبت کرده باشیم همچنانکه در عکس هم مشاهده می کنید قیمت پنیر ۱۰۰ گرمی کارخانه میهن در ۱۷ شهریور ۳۸ هزار تومان و در ۱۷ مهرماه ۳,۵۰۰ تومان و در ۸ آذرماه به ۶۰ هزار تومان رسیده است. یعنی ۵۰ درصد گران تر شده است. آیا در شورای عالی تعیین حداقل دستمزد این گرانی دیده می شود؟؟

## درآمد در ایران خوب، زندگی کردن در آن بد!!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، هاجر چنارانی نماینده نیشابور در مجلس طی نطقی در مجلس گفت: «اگر آمریکا دشمن ماست فرزندان ۵۴۰۰ نفر از مسولین جمهوری اسلامی در آن کشور چه می کنند» البته این منهای مسولینی است که فرزندان شان در اروپا و استرالیا و کانادا و حتا روسیه و چین اقامت دارند.

آیا همین مسوولین نیستند که به لایحه عفاف و حجاب رای مثبت می دهند و با ورود خودروهای بالای ۵ میلیارد تومان بدون مالیات پافشاری و آن را مصوب می کنند؟ آیا همین ها نیستند که ۳ میلیارد دلار از بودجه واردات غذا و درمان را اختصاص به ورود خودروی خارجی برای مافیا کرده اند؟ آیا همین تعداد از نمایندگان نبودند که به لایحه ضد کارگری توسعه هفتم رای دادند که حق بیمه کارگران به جای خزانه تامین اجتماعی به خزانه دارایی واریز شود تا تامین اجتماعی بدون پول مانده و خانه خراب شود؟ چگونه است که نمایندگان برای موی دختران یقه درانی می کنند اما برای دزدی های لوله کشی بنزین هواپیما از پلایشگاه بندرعباس به نقطه نامعلوم توسط مافیا سکوت می کنند؟ این نمایندگان چرا وقتی پرونده جای دبش با ۱۸۵۱ فقره رشوه، ۴۹۰ مدیر دولتی درگیر این پرونده، میلیون ها دلار، هزاران سکه، گوشی تلفن، که از دسترنج مردم به جیب مافیا رفت، کفن نشویدند؟ آیا همین مسوولینی که فرزندانشان در خارج تابعیت کشوری خارجی را گرفته و به میهن خود پشت کرده اند همان هایی نیستند که اجازه ۶۹۶۱ فقره تسهیلات و ۵۴۱۳ وام بدون رعایت ضوابط بانکی را به جای دبش اختصاص ندادند و امروز هم پنهان و در گوشه ای امن هستند؟

مافیا و این مسوولین و فرزندانشان مورثانه ای هستند که به جان مردم و ثروت این کشور افتاده اند. فقط با تشکیل سندیکاهای کارگری، این چشمان تیزبین زحمتکشان، با مبارزه ای متحد می توان مافیا را از سرزمین ایران بیرون راند.

## ۹۰ درصد مردم ایران فقیر هستند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با توجه به مبلغ ۴۷ تا ۵۰ میلیونی خط فقر و روند رو به رشد تورم، که فقط در سال جاری به ۲۰۰ درصد می رسد، بی اغراق می توان ۹۰ درصد مردم ایران را فقیر دانست. بیش از ۴۵ میلیون ایرانی با حداقل دستمزدی که هر ساله تعیین می شود ۴ برابر زیر خط فقر قرار دارند که باید به این آمار کارمندان ادارات و دستگاههای دولتی و نظامی را هم افزود. در همین حال تعداد بیکاران، دستفروشان، کسب و کارهای کاذب همچون قماربازی بورس و بیت کوین، سرپرستان خانوار، وابستگان به کمیته امداد، بهزیستی، معتادان و... را اضافه کنیم به بیش از نود درصد خواهد رسید. در همین حال دسترسی گسترده نداشتن هموطنانمان به درمان و دارو هم که بخشی از حقوق است را هم باید اضافه کرد. اگر اجاره بها را نیز از دستمزدهای بسیاری از مزد بگیرانی که بیش از ۵۰ میلیون به بالا کسر شود آنها نیز به زیر خط فقر سقوط خواهند کرد. متأسفانه با همدستی سرمایه داری جهانی و اعلام اینکه هرکسی که در هفته یک ساعت کار کند شاغل محسوب می شود در حقیقت هم دولت و هم کارفرمایان را از وظایف اصلی خود که همانا پرداخت دستمزد مناسب برای حفظ نیروی انسانی است و شرایط کار مطلوب به نوعی به حاشیه برده

و دست اندازی به دستاوردهای زحمتکشان و گرسنه تر کردن آنها باز گذاشته اند. برای مثال رییس انجمن اقتصاد آقای واعظی می گوید: «۷۰ درصد دختران در استان سیستان و بلوچستان به دلیل نبود دبیرستان ترک تحصیل کرده اند» آموزش رایگان، درمان رایگان، مسکن ارزان قیمت بخشی از حقوق انسانی آحاد ملت است.

## گران شدن دارو تا ۴ برابر!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، احمد آتش رییس وارد کنندگان دارو اعلام کرد: «بسیاری از داروها به دلیل قیمت پائینی که دولت مصوب کرده دیگر تولید نمی شوند. ادامه این شرایط یعنی کمبود دارو» این یعنی واردات داروی بیشتر. با این وصف دارو به جای تولید در کشور با قیمت مناسب، از خارج وارد شده و با ارز ۶۵ الی ۸۰ هزار تومانی به دست بیماران خواهد رسید. منهای اینکه چند هزار کارگر در ایران به صف بیکاران خواهند پیوست، به این ترتیب دارو از دسترس زحمتکشان هرچه دورتر خواهد شد و از سال بعد باید منتظر افزایش مرگ زحمتکشان باشیم. مافیای لانه کرده در دولت اصلن قرار نیست به فکر مردم باشد بلکه فقط به دنبال سود بیشتر از درد و رنج مردم می باشد. این در حالیست که دولت بدهی خود را به داروخانه های مرتبط با سازمان تامین اجتماعی که بودجه اش در سال گذشته تصویب شده بود را هم نپرداخته است. بی تردید سازمان تامین اجتماعی با همدستی هیات مدیره های بی عرضه کانون های بازنشستگی و کانون عالی بازنشستگان فهرست جدیدی از داروهایی را که باید از لیست داروهای سازمان حذف شود و کارگران و بازنشستگان بدون دارو بمانند را، اعلام خواهد کرد. باید همه مزدگیران در قبال این سیاست های خانه براندازانه مافیا متحد شوند.

*بازنشستگان متحد تهرانی*

## دستمزدهای زیر خط فقر و رانت خواری مافیا!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، طبق اخبار گزارش شده یکی از نمایندگان مجلس به جز حقوق نمایندگی، عضو هیات مدیره پتروشیمی خلیج فارس، هواپیمایی ماهان، عضو هیات مدیره کشتی سازی است. که سرجمع در ماه حقوقی بیش از ۵۰۰ میلیون تومان درآمد دارد. مثلی است معروف که سواره از پیاده خبر ندارد. سالها پیش دختر خاتمی که نماینده مجلس و فرزند یکی از مسوولین بود وقتی به رانتخواری و درآمد حاصله از این موضوع اعتراض شده بود گفت: «ما سهم خود را از سفره انقلاب بر می داریم». البته هستند مسوولینی که به ابوالمشاغل معروفند و در چندین ده شرکت عضو هیات مدیره هستند. این در حالی است که بسیاری از فرزندان شایسته زحمتکشان بیکار و یا با کمترین حقوق در ادارات دولتی و خصوصی باید زیر خط فقر دستمزد گرفته و زندگی کنند. کسی که ۵۰۰

میلیون حقوق می گیرد درد کارگر بیکار، زن سرپرست خانوار و یا کارگر حداقل بگیر و بازنشسته زیر بار ۴ برابر زیر خط فقر را نمی فهمد پس چگونه می تواند و یا اصلن دغدغه دفاع از این افراد را داشته باشد؟ در نظام سرمایه داری، قدرتمندان انسان های دیگر را افراد درجه چندم جامعه می دانند و حق برابر انسانی برای آنان قایل نیستند به همین دلیل است که در شورای عالی تعیین حداقل دستمزد تلاش دارند هرچه کمتر برای کارگران دستمزد تعیین کنند و قانون اساسی و اصولی را که در آن برای حقوق مردم در نظر گرفته شده را کمونیستی می دانند و یا قانون کار را سوسیالیستی می نامند چون این اصول سودجویی کثیف آنها را محدود می کند. او طبقه کارگر را گرفتار و دردمند می خواهد تا مطیع و تن به فروش انسانیت بدهد. سیستم سرمایه داری می خواهد در جامعه کلیه فروشی، قرنیه فروش، حتا قلب فروشی رواج داشته باشد تا او با پول، سلامتی برای خودش بخرد. سرمایه داری نمی خواهد درد بچه دار شدن را بکشد و از اواخر دهه ۸۰ به دنبال اجاره کردن رحم افتاده اند. آری بچه دار شدن هم برایشان تفریحی است که دردش را کس دیگری باید بکشد و برای او حتا عاطفه مادری هم با پول خریدنی است.

سرمایه داری اصول انسانی را نمی شناسد و برای انسان و انسانیت و حتا فرزند خود احترامی قایل نیست به همین خاطر قوانینی وضع می کند تا هر روز شریف زندگی کردن برای انسانها به ویژه کوشندگان کارگری سخت تر شود. *بازنشستگان متحد تهرانی*

## مافیای قدرتمندتر از دولت!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پالایشگاه خلیج فارس که در چند سال اخیر از صادر کننده های بنزین کشور بود به وارد کننده بنزین تبدیل شده است. مافیا با گماردن مدیران بی کفایت و خائن و نداشتن برنامه ریزی درازمدت این چنین اقتصاد این مملکت را به خاک سیاه نشانده اند. اما جالب این است که سازمان تامین اجتماعی توسط مافیا برای پالایشگاه آبادان پول می فرستد تا هزینه هایش را تامین کند. یعنی ۲ پالایشگاهی که می بایست تولید کننده و ضدیکاری و پول ساز باشند ورشکسته و روی دست مردم مانده اند. البته مافیا از پالایشگاههای دیگر با لوله کشی بنزین را دزدید و به این پالایشگاههای می فروشد. جالب اینجاست که کسی پی جوی این نمی شود که چرا این فرایند شکل گرفته است؟ مافیا هم از آخور می خورد و هم از توبره و دستگاههای نظارتی معلوم نیست چه می کنند!! این یک قسمت از عملکرد مافیا بود اما آقای مصطفوی عضو اتحادیه طیور می گوید: «مافیا ذرت ۲۵ دلاری را ۳۴۰ دلار و کنجاله سویای ۴۷۰ دلاری را ۷۷۰ دلار وارد کرده اند و صدای هیچکس هم در نیامد» یعنی مافیا از ثروت مردم ایران به این راحتی می دزد و همه هم می دانند. دستگاه هایی چون جهاد کشاورزی، بانک مرکزی، اداره دارایی، اتاق مافیای بازرگانی صدایشان در نمی آید، چون در اختیار مافیا قرار دارند و همه هم می دانند. بعد برای حداقل

دستمزد کارگران همه این مافیای دزد دور هم در وزارت کار جمع می شوند و برای دستمزدی ۴ برابر زیر خط فقر یقه درانی می کنند و همه مشکلاتی اقتصادی را به گردن این افزایش مزد می اندازند. مافیا بازی خود را خوب بلد است و طبقه کارگر هم باید برای سفره های خالیش کردن فرازی کند و حق خود را از این موربانه های خانه خراب کن بگیرد.

*تحریریه نشریه پیام سندیکا*

## افزایش دستمزد یکبار، گرانی چند بار!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در حالی جلسات شورای عالی تعیین دستمزد از مزد منطقه ای و صنفی چند واژه ضد انسانی سخن می گویند و اتاق بازرگانی و وزیر صمت، وزیر اقتصاد به دنبال شکستن کمر زحمتکشان و خالی کردن سفره های آنان هستند که در یکسال اخیر گرانی های چند باره اتفاق افتاده و اول از همه وزیر کار ضد کارگر چشم بر روی آن بسته است. با مدیریت فوق مدرن آقایان در بخش اقتصاد و اتاق بازرگانی قیمت سیب زمینی به بیش از ۶۰ هزار تومان کیلویی و قیمت پنیر برای چهارمین بار از ۶۰ هزار تومان به ۷۶ هزار تومان افزایش یافته است. نان ها کوچکتر شده اند. جناب وزیر کار و وزیر صنعت! آیا شما برای خانه هایتان خرید نمی کنید؟ نکند کلفت و نوکرهایتان با حقوق چند صد میلیونی تان به خرید رفته و فشار به شما نمی آید؟ اما برای ۸۰ میلیون ایرانی این افزایش قیمت ها فاجعه بار است. آقای وزیر کاری که با آمدنتان بیمه بیکاری را طوری طراحی کرده اید که افراد کمتری بیمه بیکاری نصیب شان گردد آیا می دانید خانواده های بیکار با این گرانی ها چه خواهند کرد؟

در روزهای بیاد ماندنی بهمن هستیم و خوب است وزیرکار نگاهی به شعارهای دوران انقلاب بیاندازد و عملکرد خود را با آن شعارها بسنجد. وزیرکاری که حتا قانون کار و قانون اساسی که باید مجریش باشد را هم نمی داند. آقای میدری اصل ۳ و اصل ۴۳ قانون اساسی را چند باره بخوانید و بلایی را که می خواهید به زحمتکشان تحمیل کنید را با وجدان تان بسنجید. تاریخ اعمال تان را فراموش نخواهد کرد همچنانکه آقا محمدخان نوری سیدضیا و قوام السلطنه و دیگر وزاری بی عرضه و نوکر مافیا را فراموش نکرده است. عادی سازی فقر کار اصلی مافیاست. *تحریریه نشریه پیام سندیکا*

## مافیا این روزها چه می کند!

مافیای لانه کرده در اقتصاد و فرهنگ و سیاست همچنان فعال است و توسط گماشتگان خود سیاست های ضد مردمی خود را اجرا می کند. مافیا همچنان می دزد و برای دزدی



خود یا قانون وضع می کند و یا اینکه قانون را دور می زند. برای مافیا نه زندگی مردم ارزشی دارد و نه وطن. چه جنگ شود و موشک پرانی، چه تمامی سرمایه گذاری در سوریه دود هوا شود، چه مردم نتوانند دارو بخرند و به پزشک مراجعه کنند و همچنان رنج بکشند و یا داعش به ایران مسلط بشود برایشان مهم نیست آنها فقط سود خود را می خواهند.

۱- مافیای آتیه سازان نه تنها هیچ افزایشی در سطح خدمات خود نداده است بلکه ۷۰ درصد هم افزایش قیمت داده و نوکرانش در کانون عالی منت سر بازنشستگان نیز می گذارند

۲- مافیا از افزایش مبلغ یک درصد مالیات بر ارزش افزوده برای اختصاص برای همسان سازی که سر به میلیون ها همت می زند، به شدت می ترسد

۳- مافیا با فرمول سازی کمترین افزایش همسان سازی را به بازنشستگان تحمیل کرد و در تلاش است این موضوع را نه به عنوان همسان سازی بلکه به عنوان یک منتهی از سوی دولت به بازنشستگان عنوان کند

۴- مافیا با سوق دادن نیروهای امنیتی به روابط کار و به مشکلات کارگران و بازنشستگان تلاش دارد هم مبارزات کارگران نفت را سرکوب کند و هم با ترساندن بازنشستگان، یکشنبه های اعتراض را خاموش کند

۵- مافیا به جای آنکه به مردم بگوید که قطعی برق به خاطر استفاده «رمز ارز» است آن را به مصرف بی رویه مردم منتسب می کند

۶- مافیا به جای آنکه حقیقت کمبود گاز را که از استفاده بی رویه ادارت و کارخانه های حرامزاده هاست و مبلغ این گاز مصرفی تا حد رایگان می باشد حرف بزند این موضوع را به دوش مصرف خانگی می اندازد

۷- مافیا به مردم القا می کند گرانی ها و تورم را به مواردی چون همسان سازی حقوق و افزایش دستمزد و گران فروشی عده ای بقال ربط دهد و از گفتن اینکه روسای بانکها وام ها را به خود اختصاص داده و یا دلالتان سکه و ارز باعث تورم هستند و از دزدی های پنهان و آشکار صادر کنندگان محصولات پتروشیمی و نیاوردن ارز از محل فروش به داخل ایران طفره رفته و یا دزدی از بیمه عمر بازنشستگان تامین اجتماعی حرفی نمی زند

۸- مافیا با به راه انداختن بازی های فرعی چون طرح عفاف و حجاب، فیلترینگ ذهن مردم را از دزدی هایی که در بانکها، پتروشیمی ها، و مافیایی که ارز خارج کرده و در بانک های خارجی سرمایه گذاری و یا به ویلا سازی در ترکیه و یا خرید ساختمان در دبی ذخیره می کند، منحرف می کند

۹- مافیا با فضا سازی هایی چون گفتگوی پزشکین با مردم و اعلام نکردن اینکه چه کسانی به او اجازه مبارزه با مافیا را نمی دهند، مردم را به صبر و شکیبایی فرا می خواند تا مافیا باز هم بدزد، بکشد و عواملش را در لایه لایه های مراکز حساس بگمارد تا طرح هایی چون موضوع دو تابعیتی ها در مجلس رد شود

۱۰- آقای پزشکین می گوید: «بیمه تکمیلی یعنی زیر میزی یعنی دزدی از مردم» اما هیچ عملی برای متوقف کردن این موضوع نه خودش و نه وزیر بهداشت انجام نمی دهند تا همچنان دزدها از سلامت مردم برای خود کیسه بدوزند و از گران کردن درمان و دارو سودهای افسانه ای ببرند.

۱۱- مافیا ۳ میلیارد دلار از بودجه کالاهای اساسی همچون نان، روغن، شکر، چای، گوشت، دارو و... را برای سال آینده کم کرده تا عموم مردم گرسنه تر شوند ولی با این مبلغ برای حرام خورها پورشه وارد کشور شود.

۱۲- شرکت های پیمانکاری دزد را از داشتن مجوز ایمنی معاف کردند تا کشتار کارگران بیشتر شود. در سال ۹۷ تعداد کارگران کشته شده در حوادث کار سالیانه ۱۶۲۵ نفر بود که در سال گذشته به ۲۱۱۵ نفر رسید تا کارگر کشی قانونی باشد.

۱۳- مافیای تامین اجتماعی با زیر پا گذاشتن ماده ۳۶، تاخیر کارفرما در پرداخت حق بیمه یا عدم پرداخت آن را که «رافع مسئولیت تعهدات سازمان در مقابل بیمه شده، نخواهد شد» را با یک اطلاعیه زیر پا گذاشته و بیمه کارگران را قطع می کند.

۱۴- بانک مرکزی با انتشار آمار اعلام کرده: «وام های با قرارداد ۹۹۰ ماهه با نرخ ۲ درصد» به مافیا داده شده یعنی ۸۲ ساله. بخور بخور حسابیه.

۱۵- مافیا، شادی رقص دانش آموزان بابتی را بهانه می کند تا از دزدی برق برای تولید بیت کوین ذهن ها را به سمت دیگری ببرد. تولید بیت کوین با ۳ دستگاه در یکی از کافی شاپ های دانشکده های مشهد به تازگی کشف شد.

۱۶- به کارگماری زهره عالی پور متهم ردیف سوم فساد در پالایشگاه کرمانشاه و نیشکر هفت تپه، به ریاست سازمان خصوصی سازی صورت گرفت تا نوکران مافیا بیکار نمانند.

۱۷- افزایش نرخ ارز رسمی در قالب توافقی از ۵۵ هزار تومان به ۶۴ هزار تومان توسط مافیای لانه کرده در دولت به این دلیل بود که ۵ میلیارد دلاری که از صندوق توسعه ملی گرفته شده را به بالاترین قیمت بفروشد و از این محل ۱۰۰ هزار میلیارد تومان درآمد کسب کنند. یعنی حداقل ۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار.

۱۸- مافیا در بودجه سال آینده ۲۰ درصد از واردات کالاهای اساسی و دارو را کم کرده تا گرسنگی و مرگ زحمتکشان را بیشتر از قبل کند.

۱۹- وزیر بهداشت می گوید: «ارز ترجیحی دارو از سال آینده حذف خواهد شد» این قانون یعنی قیمت دارو افزایشی ۲۰۰ درصدی داشته باشد تا هرکسی پول دارد زنده بماند و آنان که ندارند، خدا رحمتشان کند.

۲۰- وزیر نفت به علیرضا سلیمی عضو هیات رییس مجلس گفته: «ما نزدیک به ۹ میلیون لیتر سوخت از قاچاقچی ها می خریم» یعنی مافیا نفت را از پالایشگاه ها می دزد و به دولت می فروشد و وزیر نفت با آگاهی از این عمل آنان را به به دادگستری معرفی نمی کند.

باز هم از عملیات مافیا علیه زحمتکشان و منافع ملی خواهیم گفت.

## صرفه جویی یا پنهان کردن غارت!

از رییس دولت گرفته تا تبلیغات تلویزیونی و رادیویی همه به مردم توصیه می کنند در مصرف انرژی از گاز و برق و آب، صرفه جویی کنند. این در حالیست که گاز مصرفی بسیاری از کارخانه های آقازاده ها بسیار ارزان تر از مصرف خانگی محاسبه می شود. برق را بیت کوبین بازها به یغما می برند و حتا ادارات دولتی نیز در این کار دست دارند. وضعیت آب ویلاهای لواسانات و کاخ های مافیا که یا از طریق چاههای غیرقانونی و یا با دست کاری کنتورها و رشوه به ماموران آب، ماست مالی می شود. اما در همه تبلیغات، تمامی مشکلات کمبود انرژی را به دوش مردم عادی و فقیر انداخته اند. اگر مدیران دولت واقعن می خواهند صرفه جویی در انرژی شکل بگیرد نه تنها باید دست مافیا را از سودجویی در عرصه انرژی بطور قاطع قطع کنند بلکه باید با فراهم کردن بستر لازم این صرفه جویی شکل بگیرد. دولت باید با دادن وام های با سود بسیار بسیار کم مردم را تشویق به نصب پنجره های دوجداره

کند تا هم در برق و هم در گاز صرفه جویی اساسی شود. برای صرفه جویی در آب و رفع فرو نشست ها اول باید چاههای غیرمجاز و سدهای غیراستاندارد را که مافیا از آنها بهره می برد قطع و سپس با دادن وام های با سود پایین مردم را به صرافت استفاده و نصب شیرهای اهرمی و چشمی نمود و این کار باید در ادارت دولتی اول از همه صورت گیرد. تشویق کشاورزان به استفاده از آبیاری قطره ای و در همه پارک ها بخشی از این صرفه جویی خواهد بود. که در دو حالت بالا چه استفاده از پنجره های دوجداره و چه نصب شیرآلات چشمی و اهرمی باعث رونق تولید و کم شدن بیکاری خواهد گشت. بیش از ۸۰ درصد کشور ما در سال آفتابی است، چرا از انرژی خورشیدی نباید چه سازندگان مسکن و چه در تولید انرژی پاک از این موضوع بهره نبرد؟؟ تولید و استفاده از این انرژی پاک قابل صدور و ارز آوری خوبی هم خواهد داشت. که بی تردید برق ارزان هم به دست مردم خواهد رسید و دست مافیای انرژی هم قطع خواهد شد. البته می دانیم که مافیای فروش برق بدون آنکه مردم بدانند برای آقازاده ها اشتغالزایی!!!! کرده در قبوض مردم دست به دزدی ماهانه ای زده است و در ردیف هزینه ها بیمه کنتور را لحاظ نموده و هر ماهه مبلغ نجومی از جیب مردم را می رباید. سرمایه گذاری در این بخش ها برای مافیای غارتگر لانه کرده در دولت و لایه های اقتصادی به ویژه مافیای اتاق بازرگانی سودی ندارد، پس حمایت هم نمی شود در حالی که این باعث افزایش تولید شیرآلات و پنجره های دوجداره و شیشه خواهد شد و ارتش بیکاران هم کاهش خواهد یافت. آلودگی نیز کمتر شده مافیای درمان را نیز که از بیماری های زاینده از آلودگی سوده های افسانه ای می برند را ناکام خواهد گذاشت. البته یا باید با مردم و سیاست های که به نفع مردم است بود را اتخاذ کرد یا در کنار غارتگران ایستاد و به موریانه مافیا اجازه خوردن پایه های این کشور را داد.

هیأت تحریریه نشریه پیام سندیکا

## تحریم برای ثروتمندان نیست!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در حالی که هر روزه از سوی مسولین از تحریم صحبت می شود و حتا داروهای مورد نیاز بیماران سرطانی، ام اس، و دیگر بیماری ها در ایران نایاب و به دست مافیای دارو هر روز گران تر شده و درد و رنج مردم را افزون تر می کند. در این بین مافیای دلار باز هم به کمک این اختاپوس دارو و درمان آمده و با بالا بردن دلار از ۶۰ هزار تومان به ۸۰ هزار تومان، افراد بیشتری را به کام مرگ می کشاند و خانواده های کثیری را به سوگ عزیزانشان می نشاند. اما در همین هیاهوی تحریم ما شاهد آمدن

بی وقفه میوه های آمریکایی و آفریقایی و استوایی از بنادر ایران هستیم. میوه هایی چون قارچ تراول کیلویی ۶ میلیون، سیب زمینی شیرین کیلویی ۳۹۰ هزار تومان، میوه اژدر دانه ای ۴۲۰ هزار تومان، خربزه شاخدار دانه ای ۶۸ هزار تومان، که در فروشگاههای سعادت آباد، زعفرانیه، سعادتآباد، خیابان فرشته در اختیار ثروتمندان به راحتی و به وفور قرار می گیرد و فیلم های تبلیغاتی این نوع محصولات در اینستاگرام و تلگرام بارگذاری می شود. همدستی کشورهای اروپایی و آمریکایی با مافیای لانه کرده در دولت و جای جای ایران برای شکستن کمر همت مردم را از این بهتر نمی توان ندید. جالبتر از همه افزایش نیافتن قیمت موارد مخدر و کمتر نشدن آن در جامعه تحریمی ایران است که طی چند سال اخیر رشد قیمت نداشته و از مقدارش هم کاسته نشده است. این در حالی است که در بودجه ضد مردمی سال آینده کاهش بودجه واردات دارو را مشاهده می کنیم. میوه قاچاق، دارو تحریم و قاچاق، تراشه های صنعتی تحریم و قاچاق، تریاک-شیشه-روانگردان ها هم قاچاق. چه سیستم مافیایی نئولیبرال جهانی و چه داخلی، موارد بالا را به جز مواد مخدر، گران به دست مردم می رسانند. این پاسکاری کثیف برای کشتن مردم ایران خوب هماهنگ شده است.

## آقای پزشکيان به کار اصلی خود برس!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، فیلمی از آقای پزشکيان رييس دولت در فضای مجازی منتشر شده است که در خوزستان در حال بنایی و ریختن ملات برای دیوارکشی یکی از پروژه هاست. اینکه تلف شدن هر دقیقه از وقت آقای پزشکيان چه میزان خسارت مالی برای مردم و بودجه کشور است، محاسبه اش از دست ما بر نمی آید. اما چرا بعضی از روسای دولت تلاش دارند چنین فیلم هایی از خود به جا بگذارند؟

با انقلاب کوبا در دهه پنجاه میلادی دولت کوبا قانون «یک روز کار سوسیالیستی» یعنی رایگان را برای همه مردم کوبا از فیدل کاسترو تا یک شهروند عادی کوبایی را اجباری کرد. به همین خاطر در فصل دروی محصول نیشکر، مهمترین محصول کشور کوبا، فیدل کاسترو و ارنستو چگوارا با چاقوهای بلند مخصوص قطع نیشکر، همراه مردم یک روز تمام به دروی نیشکر مشغول می شدند. این عمل به این دلیل بود که از فیدل کاسترو رییس انقلاب تا چگوارای انقلابی معروف نشان دهند برای پیشرفت کوبا در کنار مردم ایستاده اند. درسی بزرگ که حتا رهبر کوبا هم در برابر قانون با یک شهروند عادی برابر است.

بسیاری از چهره های معروف برای آنکه ادای مردمی بودن در بیاورند به چنین فیلم های تبلیغاتی روی می آورند. در حالی آقای پزشکيان سرگرم ریختن ملات از استانبولی به روی آجرها بود که ۵ هزار و اکسن گارداسیل در تهران گم شد و سر از مطب ها و داروخانه های بازار سیاه در آورد. در همین روز دلار به مرز ۸۴ هزار تومان رسید.

جناب پزشکيان کار شما ملات ریختن نیست چون این کار را هر کارگری با حقوق مناسب با جان و دل انجام می دهد. کار اصلی شما قطع دست مافیا از اقتصاد، سیاست، فرهنگ است. کار شما برنامه ریزی مردمی و نجات کشور از بلای تورم و گرانی است. قطع دست مافیا از بخش دارو و درمان است. داروهای دولتی در بازار سیاه فروخته می شود، وزرای شما در جلسات تعیین حداقل دستمزد به دنبال شکستن کمر کارگران هستند، وضعیت دیپلماسی ما در جهان با خرابکاری عمدی مافیا و تحریم های اعمال شده در بحرانی ترین وضعیت قرار دارد، اقتصاد و صنعت در حال سقوط هستند آن وقت شما خنده کنان ملات می ریزی؟؟؟ باباجان، به کار اصلی خودت برس از این فیلم ها در طی ۴۰ سال مردم زیاد دیده اند. امروز ۶ بهمن هزار کارگر نفت و گاز و پتروشیمی ارکان ثالث به جلوی دفترت آمدند آیا به میانشان رفتی و گوش به مشکلاتشان دادی؟؟؟ شعور مردم را دست کم نگیرد! **تحریریه پیام سندیکا**

## آیا دولت پول ندارد؟؟؟!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، از سالاری مدیرعامل تامین اجتماعی تا بی عرضه های چون محمد اسدی رییس کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی و علی دهقان کیا رییس کانون بازنشستگان تهران تا محسن زنگنه نماینده مجلس می گویند: «دولت پول ندارد بدهی اش را به سازمان تامین اجتماعی پرداخت کند» بازنشستگان و کارگران بیمه پرداز می گویند چطور دولت پول برای پرداخت به بنیادهای مختلف دارد ولی پول برای پرداخت بدهی هایش به ۴۵ میلیون بیمه پرداز ندارد؟؟ یا اینکه نمی خواهد بدهی اش را به سازمان پردازد؟؟

سالهاست مافیا می خواهد بنیاد تامین اجتماعی و وزارت کار را نابود کند. در همین راستا سال گذشته در برنامه هفتم توسعه و در بودجه فعلی تصمیم ضد مردمی و ضد کارگری گرفته شد که توسط مافیا نوشته شده و مقرر گردید که تمامی جق بیمه ها به جای صندوق تامین اجتماعی به خزانه دولت و اداره دارایی برود. این دولت و دولت های پیشین با مشورت مشاورینش همچون اتاق بازرگانی و مشاورش موسی غنی نژاد معتقد هستند که چیزی به نام یارانه و یا سیستم دولتی نباید باشد به همین دلیل با گماردن مدیران مافیایی و اتخاذ خارج کردن ۱۵۰۰ دارو از لیست تامین اجتماعی و نه تنها بیمارستان های خریداری شده از تامین اجتماعی را پولش را پرداخت نمی کنند بلکه بخشی از بیمارستانها را هیات امنایی کرده و از بیمه پردازان پول می گیرند به این هم اکتفا نکرده بلکه طبقاتی از بیمارستان های تامین اجتماعی همچون میلاد را برای ثروتمندان اختصاص دادند. می گویند دولت پول ندارد، خب اموالش را بفروشد. وزیران بی عرضه و مدیران احمق را از کابینه بیرون کند. بنیادهایی که از بودجه دولتی استفاده می کنند را خودگردان کرده بودجه آنان را به بدهی هایش اختصاص دهد.

دولت پول ندارد شفاف سازی کند پول نفت و گاز چه میزان است و به چه مصارفی رسیده؟؟ یک درصد مالیات بر ارزش افزوده چه مقدار است و پولش کجا هزینه شده که به بازنشستگان داده نشد. درآمد شهرداری ها، اداره مالیات، کالاهای مصادره شده چه میزان است و در کجا مصرف می شود؟؟

دروغگویی بس است بگویند می خواهیم با همدستی هیات مدیره کانون های بازنشستگی بی عرضه و کلاش و مافیای لانه کرده در دولت می خواهیم خانواده های کارگری و بازنشستگی را بی سر و صدا بکشیم.

بازنشستگان متحد تهران

## فقر به گفته آمار!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بانک مرکزی کاهش بودجه خانوارهای ایرانی و تغییر مسیر الگوی مصرف را اعلام نمود. الگوی مصرف از حدود ۳۲ سال گذشته تاکنون تغییرات مهمی را در پی داشته است. در طی این سالها کاهش مصرف قند و شکر بسیار چشمگیر بوده و به ۶۰ درصد می‌رسد. در رتبه بعدی کاهش مصرف گوشت قرمز با ۵۰ درصد کاهش قرار دارد. در این تغییر الگوی مصرف که بی‌تردید به تورم و کاهش قدرت خرید مردم و بی‌ارزش شدن پول ملی باز می‌گردد، مردم مجبور شده‌اند سفر و تفریح را از سبد اقلام خود حذف و هزینه این اقلام را به خرید مواد غذایی و آشامیدنی اختصاص دهند.

از سال ۸۰ تاکنون همچنان بیشترین هزینه هر خانوار ایرانی در بخش مسکن، آب، برق، گاز، اختصاص یافته و در کنار این کاهش‌ها سقوط قابل توجه مصرف کفش و پوشاک و همچنین دارو و درمان است. نه تنها در طی این سالها دسترسی به پزشک، دارو و بیمارستان‌ها بهبود نیافته بلکه با تصمیمات ضد مردمی دارو و درمان گران‌تر و از دسترس مردم دور شده است. کاهش شدید فروش دارو در داروخانه‌ها مویده این موضوع است. داروخانه‌ها بخش اعظم فروش خود را از موارد جانبی کالاهای پزشکی و فروش مکمل‌ها کسب می‌کنند.

به عنوان مثال خارج کردن ۱۵۰۰ قلم دارو و حذف بیماری‌ها از لیست‌های بیمه تامین اجتماعی و بیمه‌های تکمیلی و گران‌تر شدن ۳۰۰ درصدی دارو و درمان می‌توان اشاره کرد. به ویژه عدم دسترسی به دندانپزشکی‌ها یکی از علل عمده افزایش بیماری‌های گوارشی و سرطان‌ها و مرگ و میر زود هنگام مزدبگیران می‌باشد.

در بخش لباس و کفش هم کافی است به آمار تعطیلی مراکز تولید کیف، کفش، لباس، جوراب، لباس زیر توجه کنیم که به میزان ۵۰ درصد رسیده است. البته با دستمزدها و مستمری‌های ۴ برابر زیر خط فقر نمی‌توان لباس و کفش خرید حتی از مرکزی چون کفش ملی. با این روند که مزدبگیران نمی‌توانند اقلام بالا را تهیه کنند بسیاری از مراکز تولیدی کیف، کفش، لباس تعطیل و کارگزارانشان بیکار شده‌اند. اما اقبال مردم به لباس و کفش‌های دست دوم هر روز افزایش می‌یابد.

سیستم سرمایه‌داری نئولیبرال مردم را گرفتار، فقیر، بی‌دانش و بیمار می‌خواهد تا سرکشی‌ها و حق‌خواهی علیه ظلم را مدیریت کند.

بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران



## کانون های بازنشستگی بازیچه هیات مدیره ها!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، تخلفات هیات مدیره کانون های بازنشستگی هر روز بیشتر آشکار می شود. این هیات مدیره ها که به صورت مافیا اداره می شوند و هرگونه اعتراض اعضای خود را به پلیس امنیت گزارش و بازنشستگان معترض را به جای جوابگویی به پلیس امنیت و کلانتری معرفی می کنند. عملی که هیات مدیره کانون بازنشستگان تهران به دفعات دست به آن زده اند. هیات مدیره کانون تهران با معرفی و یا آوردن پلیس امنیت به کانون و به دام انداختن بازنشستگان جهت گرفتن تعهد و یا شکایت به کلانتری تلاش می کنند هر معترض به کارهای مافیایی شان را از اعتراض منصرف و به کارهای خلاف خود ادامه دهند. این هیات مدیره ها با اتکا به اساسنامه نوشته شده در وزارت کار تا زمان مرگ در این سمت می مانند. ماندن در هیات مدیره در شهرهای بزرگ منافع مالی و رانتی زیادی برای این هیات مدیره ها دارد. تخلف در شهرهای بزرگ چون تهران و کرج و ... یک امر عادی برای این هیات مدیره های مافیایی شده است از جمله این تخلفات: ۱- شفاف نکردن درآمدها و هزینه ها و مبالغی که هیات مدیره ها به جیب می زند ۲- استخدام بستگان در امور اداری کانون شهرستان و حتا کانون عالی. در کرج عروس یکی از اعضای هیات مدیره ها در کانون استخدام گردید. ۳- هیات مدیره ها خود را صاحب کانون دانسته و اموال آن را متعلق به خود می دانند نه اعضای کانون ها. از جمله در کانون تهران املاک زیادی توسط پول بازنشستگان خریداری و در اختیار هیات مدیره قرار دارد به ویژه ساختمان های خالی در تهران که در این مورد شفاف سازی نمی کنند. ۴- در کانون تهران و کرج فروشگاه های مختلفی فعالیت دارند که نوع قرارداد و منافی که به هیات مدیره از این قراردادها می رسد معلوم نیست به ویژه اینکه قیمت اجناس فروخته شده توسط این فروشگاه ها بسیار گران تر از بیرون است و اجازه دارند سودهای غیرمعارف به عنوان قسطی فروشی، از بازنشستگان گرفتار بگیرند. ۵- با کسر یک درصدهایی که از فیش حقوقی بازنشستگان به جیب هیات مدیره کانون ها می رود آنان دست به خرید املاک و ساختمان ها می زنند که کسی از مقدار معامله خبر ندارد و اینکه این املاک و ساختمان ها به چه منظوری خریداری و به چه مصرفی می رسد. برای نمونه کانون تهران ساختمان های خالی زیادی در تهران داشته و در شمال ایران هم زمینی به مترائ زیاد خریده و کسی از سرنوشت این خرید اطلاعی ندارد. بازنشستگان به درستی خواهان حسابرسی از اموال اعضای هیات مدیره کانون ها در سراسر کشور هستند. چگونه است که بازنشستگانی با حقوق بازنشستگی در هیات مدیره کانون فعالیت می کنند اما پس از چندی خانه در شمال شهر تهران خریداری می کنند و یا صاحب کارخانه می شوند.

### بازنشستگان متحد تهران

## وزیری که قانون نمی داند!

طی دو ماه گذشته وزیرکار اظهاراتی کرده آند که نشان از آن دارد که ایشان قانون نمی دانند. به ویژه اینکه ایمیلی را اعلام و خواستار نظرسنجی در مورد افزایش دستمزد شده اند. آیا این کشور قانون اساسی و قانون کار ندارد که باید با نظرسنجی افزایش حداقل حقوق را چاره کار دانست؟ شوربختانه سالهاست کسانی عهده دار وزارت کار می شوند که تخصص حقوقی روابط کار نداشته اند. قانون اساسی به عنوان تعیین کننده حقوق ملت و وظایف حاکمان با مردم تدوین شده و در آن به ویژه در فصل حقوق ملت اصل ۳ بند ۱۲ تاکید شده است: «پی ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» و در اصل ۴۳ قانون اساسی بند ۱ تاکید دوباره ای بر: «تامین نیازهای اساسی مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه» شده است. هر قانون، آیین نامه، بخشنامه ای... حق نقض این اصول را ندارد. آقای میدری بگوید مزد منطقه ای و یا نظرسنجی های غیرقانونی در کجای قانون اساسی و یا قانون کار قرار دارد؟ مگر این کشور قانون ندارد؟ تاکنون نه تنها بند ۱۲ از اصل ۳ قانون اساسی در خصوص ایجاد رفاه و رفع فقر نادیده گرفته شده و در حال حاضر بیش از ۶۰ میلیون ایرانی را همین نادیده گرفتن قوانین به زیر خط فقر برده و دستمزد کارگران را ۴ برابر زیر خط فقر به صورت غیرقانونی مصوب کرده اند بلکه همچنان به دلیل اصرار نمایندگان کارفرمایی تلاش دارند این دره فقر را با سیاست های ضدکارگری بیشتر کنند. از سوی دیگر وزیر کار نمی داند که حداقل حقوق به معنای این است که هیچ کارگری در هیچ کجای ایران نباید کمتر از این دستمزد دریافت کند آن هم بر طبق اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی. در رابطه با مزد منطقه ای یا صنفی که ایشان مطرح می کنند و سالهاست کارفرمایان برای نابودی معیشت زحمتکشانشان اصرار دارند، باید یادآور شد که اگر می خواهید حقوق کارگرانی که در مناطق سخت کار و یا شرایط شغلی طاقت فرسایی دارند افزایش دهید، در قانون کاری که شما باید مجری آن باشید، طبقه بندی مشاغل و موضوع مشاغل سخت و زیان آور تعریف شده اند تا اینگونه کارگران حقوق و شرایط شغلی مرتبط را با دستمزدی مناسب حال خود دریافت کنند که شوربختانه هم وزارت کار و هم کارفرمایان از اجرای این قانون سرپیچی کرده و باعث اعتصاب در نوب آهن، ایران خودرو، و هم اکنون نفت و گاز شده اند.

آقای وزیر، به جای اینگونه ترندها قانون کار را در ماده ۴۱ و تبصره آن و اجرای طبقه بندی مشاغل درست و همچنین اجرای قانون سخت و زیان آور را در سراسر کشور اجرا کنید تا هر کسی به فراخور کار و تخصص و شرایط کاری، دستمزد مناسب خود را دریافت کند.

## قانون را اجرا کنید!

مازیار گیلانی نژاد ۱۲ بهمن ۱۴۰۳

## درباره‌ی حفظ زیست بوم ایران!



کشوری که در آن به دنیا آمدیم و زندگی می‌کنیم و لاجرم روزی در این جا به خاک سپرده خواهیم شد، ایران است. شوربختانه مادرمان ایران زمین، امروزه از فرزندان خود راضی نیست. این ما هستیم که با رفتار ضد محیطی زیستی فردی خود از جمله تفکیک نکردن زباله‌ها که ساده‌ترین کار برای حفظ زیست بوم ایران است، انجام نمی‌دهیم. دولت سرمایه‌داری حاضر هم با همدستی مافیا تا می‌تواند با قوانینی که مصوب می‌کند منابعش را آلوده کرده و به هدر می‌دهد. برای جبران این آفات و بهبود اوضاع محیط زیستمان چه اقداماتی در دیدگاه کلان می‌توانیم انجام دهیم؟ یکی از این اقدامات تلاش برای بهبود آب و هواست.

از منابع آلودگی که سراسر کره‌ی خاکی را فراگرفته است یکی گرمایش زمین است که از تجمع گازهای گلخانه‌ای ناشی از استفاده از سوخت‌های فسیلی برای نیروگاه‌های برق و ترابری است شکل می‌گیرد. برای جلوگیری از نابودی گونه‌های موجودات زنده و تمدن انسانی مجبور به عدم استفاده از منابع سوخت‌های فسیلی (نفت، گاز و...) به روش موجود (سوزاندن) هستیم. برای عدم استفاده از این منابع بسیار آلوده تولید انرژی، باید به منابع خنثای کربنی نظیر: نور خورشید، باد، جزر و مد، امواج دریا، گرمایش زمین و... رو بیاوریم. بطور کلی دلایل این کار عبارتند از: امنیت انرژی، کاهش تغییرات آب و هوایی و منافع اقتصادی. استفاده از مجموعه انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران، هنوز کمتر از ۱.۵ درصد از کل انرژی است و اکثر انرژی تولیدی کشور ناشی از سوخت‌های فسیلی است. استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر در ایران تا کنون محدود بوده به انرژی خورشیدی و انرژی بادی و انرژی زمین‌گرمایی. ۴۰ درصد ظرفیت کلی نیروگاه‌های تجدیدپذیر کشور را منابع انرژی خورشیدی تشکیل می‌دهد. سالانه حدود ۴۰۰۰ مگاوات ساعت انرژی از توربین‌های بادی کسب می‌شود. اما کشور ما در استفاده از انرژی‌های نو، هنوز در اول راه است و استفاده مکفی از این منابع بعمل نیاورده است. بعنوان مثال در ۹۰ درصد مساحت

کشور ما هر سال تقریباً ۳۰۰ روز هوا آفتابی است. (که بسیاری از این مناطق کویری و لم یزرع است) این میزان تابش می تواند چیزی در حدود ۱۸۰۰ الی ۲۲۰۰ کیلو وات ساعت در هر متر مربع برق تولید کند. بنابراین یک وظیفه مهم دولت به نمایندگی جامعه، سرمایه گذاری در صنعت انرژی های نوین نظیر: تولید انرژی پاک از جمله خورشیدی و بادی، تولید ماشین های برقی و ... از واجبات آینده سازی کشور است. این خواسته را از هر راه ممکن از دولت بخواهیم. *بازنشستگان متحد تهران*

## صعود به قله کاهار به یاد دکتر غلامحسین ساعدی



صعود به قله کاهار توسط کوهنوردان فلزکار

در زاد روز و به یاد نویسنده نامدار و دوستدار زحمتکشان  
دکتر غلامحسین ساعدی

## ادبیات کارگری ایران (۷)

### پروین اعتصامی؛ یاور ستم دیدگان و دشمن ستم گران

پروین اعتصامی هم درد با مردم بود؛ یاور ستم دیدگان و دشمن ستم گران. هرگز برای دل خود شعر نسرود. بانویی دلسوز در بینش، نجیب و متین در منش. چندان که برخی از پژوهش گران به این پندار رسیده اند که وی سوسیالیست بوده است. یا دست کم مفاهیم آشنای آن را در اشعارش لحاظ می کرده است "از ویژگی های دیگر شعر پروین، توجه به مسأله عدالت اجتماعی و اندیشه سوسیالیزم است. عنایت به وضع رفت بار کشاورزان، کارگران، زحمتکشان و زنان ایرانی" (قدم یار، مقاله ولی الله درودیان: ۲۲۶)

در روزگار پروین، اکثریت مردم را روستائیان کم زمین و بی زمین، تهیدستان و مزدبگیران شهری تشکیل می دادند. این ها توده مردم ایران بودند. تعداد کارگران صنعتی هنوز اندک بود. با وجود این ها، مبارزات توده ای و کارگری همزمان با انقلاب مشروطیت آغاز شده بود. در این مکتب بسی مبارز انقلابی پرورده و دارای نخبگان سیاسی شده بود. بدیهی ست روح حساس پروین نیز چنان آن مبارزان، با دیدن فقر و گرفتاری های بسیار مردم به رنج افتد و در فکر رهایی زحمتکشان باشد. در هر صورت امروزه نیز هر کس اشعار پروین را بخواند به این نتیجه می رسد که وی شاعری توده ای بوده است؛ بانویی حساس و دقیق به آمال ستم دیدگان، با رنج مردم زحمتکش همراه، بر ضد ستم گران و علیه تضاد طبقاتی. سروده زیر از ژرفای بینش انسانی و انقلابی پروین گواهی می دهد؛ و پنداشتی ظلم حکام امروزی را می نماید:

"تا به کی جان کندن اندر آفتاب، ای رنجبر!

ریختن از بهر نان از چهره آب، ای رنجبر!

زین همه خواری که بینی ز آفتاب و خاک و باد،

چیست مزدت جز نکوهش یا عتاب، ای رنجبر!

از حقوق پامالِ خویشتن کن پرسشی،

چند می ترسی ز هر خان و جناب، ای رنجبر!

جمله آنان را که چون زالو مکندت، خون بریز،

و ندران خون، دست و پای کن خَظاب، ای رنجبر...!

حاکم شرعی که بهر رشوه، فتوا می دهد،

کی دهد عرضِ فقیران را جواب، ای رنجبر" (پروین، دیوان اشعار: ۷۳).

این قصیده با نام "ای رنجبر" از سروده های "اختر چرخ ادب" پروین اعتصامی است که با لحنی بی محابا و شورانگیز و عتاب آمیز، زحمتکشانش را به مبارزه و انقلاب فرا می خواند.

به هر نحو که به آثار پروین بنگریم، او را زنی پر شور و عاشق می یابیم. عاشق بر مردم ستم دیده ای که دیده نشده اند. او واله و شیدای عدالت بود. تمامی کلمات و ارکان اشعارش بر این عشق یکتا گواهی می دهند.

پروین در ۲۵ اسفندماه سال ۱۲۸۵ در تبریز-مهد آزادگان- زاده شد؛ در خانواده های اهل فرهنگ و معرفت از اقشار میانی جامعه که از مال بهره ای اندک داشتند و از دانش، سهمی بسیار.

پدر پروین، یوسف اعتصام الملک (اعتصامی) نام داشت. ادیب و مترجمی توانا در زبانهای عربی، ترکی استانبولی و فرانسوی. مردی آزاده و مردمی که به فعالیت های سیاسی دلبستگی نداشت و بعکس، عاشق کارهای فرهنگی بود. یوسف اعتصامی بیش از هفده جلد کتاب ترجمه کرد. وی با تأسیس مجله بهار

در نشر و ترویج ادبیات فارسی و آثار فاخر اروپایی کوشید، طی سالهای ۱۲۸۹ به ۱۲۹۰ و ۱۳۰۰ به ۱۳۰۱.

آن مقالات و ترجمه‌ها که در مجلهٔ بهار چاپ می‌شدند از نوشته‌های ادبی طراز اول ایران و آثار برتر اروپایی بودند که در تربیت و پرورش فکری پروین مؤثر افتادند. او را با اندیشه‌های اساتید ایرانی و قصه‌ها، افسانه‌ها و اسطوره‌های خارجی آشنا کردند.

یوسف اعتصامی در ۱۲۹۱ به اتفاق خانوادهٔ خود به تهران مهاجرت کرد. خانهٔ او محفل بزرگان ادب بود. امثال محمدتقی بهار، علی اکبر دهخدا، سعید نفیسی و ... از معاشرانش بودند.

پروین در مدرسهٔ اُناتیئهٔ آمریکایی (ایران بیتال) تحصیل کرد. دانش متداول زمانه و زبان انگلیسی را در آن مدرسه فرا گرفت. عربی، فرانسوی، دقایق ادبیات فارسی و فن شعر را نزد پدر خود آموخت. در ۱۳۰۳ از تحصیل در مدرسه فراغت یافت.

در ۱۳۰۴ که رضاخان سوادکوهی به تازگی شاه شده بود، از پروین دعوت کردند آموزش ملکه و دخترانش را به عهده بگیرد، اما او نپذیرفت و به مدت دو سال در همان مدرسهٔ آمریکایی به تدریس پرداخت.

سابقهٔ شعرسرایی پروین از همان زمان که خواندن و نوشتن آموخت آغاز شد که استعداد عالی و شگفت او را نشان می‌دهد: "نوشته‌اند وقتی پروین هفت یا هشت ساله بود، پدرش شعری را از زبان فرانسه به فارسی ترجمه کرد و پروین آن را به سبک انوری به زبان فارسی منظوم ساخت" (قدم یار، مقالهٔ جلال متینی: ۲۱۷).

نخستین اشعار پروین در مجلهٔ بهار چاپ شدند، در حالی که پانزده ساله بود. حضور بزرگان ادب پارسی در خانهٔ آنها و برپایی مجالس ادبی، فرصتی شد تا

او سروده های خود را در محضر آنها عرضه دارد و از راهنمایی ها بهره گیری. با وجود این، اشعار پروین از چنان پختگی و بلندی مرتبه برخوردار بود که همه را به تحسین و ا می داشت.

او خیلی از اشعار طراز اوّل خود را در قالب قطعه گفته به صورت مناظره سامان داده است. در باره جایگاه هنری شامخ پروین و قالب شعری قطعه و روش مناظره که به کار می برده، پرویز ناتل خانلری چنین نوشته: "پروین اعتصامی رامی توان بزرگترین سخنوری دانست که از جنس زن در تاریخ ادبیات ایران ظهور کرده است. ... اما قطعاتی که موضوع آنها انتقاد وضع اجتماعی و اظهار محبت به طبقات ستم کش و محروم اجتماع است در ادبیات معاصر، ایشان دارای شیوه ای خاص است که منحصر به اوست. پروین در این قطعات اسلوب مناظره را برای مقصود اختیار کرده است" (خانلری، جلد سوم: ۲۷۳). بدین سان خود را در مقام بزرگ ترین و آگاه ترین شاعر در گونه ادبی مناظره نشان داده که زبان پارسی به خود دیده است. در یکی از آنها با نام قطعه "مناظره" مکالمه ای در میان دو قطره خون ترتیب داده، یکی از پای رنج بری و دیگری از دست تاج وری. خون ستم گر که از تنی ظالم فرو افتاده و از جبروت پیشین او نمانده دیگر قدرتی، به خون کارگر ستم دیده می گوید با هم متحد شوند:

- "هزار قطره خون در پیاله یک رنگ اند،

تفاوتِ رگ و شریان نکند اثری.

ز ما دو قطره چه کار خواهد خاست،

بیا شویم یکی قطره بزرگتری" (پروین، دیوان اشعار: ۱۹۵)

خون کارگر در پاسخ، این اتحاد را نابه جا و نادرست می خواند زیرا در دو سوی ناتراز واقعد و خصم یک دیگر. پروین که از بیداد بیزار بود و خواهان مساوات اجتماعی؛ در ادامه شعر خود با ب پیروایی و با شجاعتی ستودنی، چاره



کار را انقلابِ خونین و نابودی حاکمان بدمنش می داند:

"به خنده گفت میان من و تو فرق بسی است،  
تویی ز دست شَهِی من ز پای کارگری،  
برای هم‌رهی و اتحاد با چو منی،  
خوش است اشک یتیمی و خونِ رنجبری،  
تو از فراغ دل و عشرت آمدی به وجود،  
من از خمیدنِ پستی و زحمتِ کم‌ری...  
تو از فروغ می ناب سرخرنگ شدی،  
من از نکوهش خاری و سوزش جگری...  
قضا و حادثه، نقش من از میان نبرد؛  
کدام قطره خون را بود چنین هنری،  
در این علامتِ خونین، نهان دوصد دریاست،  
ز قید بندگی، این بستگان شوند آزاد،  
اگر به شوقِ رهایی زنند بال و پری...  
به حکم ناحق هر سَفله، خلق را نکشند  
اگر ز قتلِ پدر، پرسشی کند پسری،  
درخت جور و ستم، هیچ برگ و بار نداشت،  
اگر که دست مجازات می زدش تبری،  
سپهر پیر نمی دوخت جامهٔ بیداد،  
اگر نبود ز صبر و سکوتش آستری،  
اگر که بدمنشی را کشند بر سر دار،  
به جای او ننشیند به زور از او بتری"  
(همان: ۱۹۵).

اگر رنجبران صبر و سکوت را پیشه نکنند، خرافاتی با نام قضا و قدرِ سپهر  
کاره ای نیستند؛ و ظلم برجا نمی ماند، بیدادگری نابود خواهد شد. این بیان و  
تحلیل، از نگاه عالمانه و انقلابی پروین بر می آید.

او به حق و به درستی عیان می دارد که حتی خون کارگر و خون ضد کارگر  
یکسان نیستند، چون آن دو از یک آبشخور نیامده اند و به یک نحو ساخته نشده  
اند. معتقد است که هرگز خون رنج بر با خون ستم گر در یک جا نمی گنجند و  
یک طریق را نمی پویند. در شعر خود ناراستی و نادرستی تضاد طبقاتی را بیان

کرده، آشتی‌ناپذیری دادگران با بیدادگران را نموده است، با حکمتی قاطع و ستودنی. یادآوری این نکته مهم است که او این قطعه را در دوره رضاشاه سروده، در قالبی کهن با زبانی نمادین و تمثیلی در انداخته، وجوه بیدادگرانه حکومت آن جابر و مزدور بیگانگان را معرفی کرده است.

از دیگر مضامین درخور در اشعار پروین، تشویق دختران و زنان به دانش و آموزش است و جای لایق دادن به مقام زن در اشعارش، و ستودن آنها. البته یاد کردن از مقام زنان در جای جای سروده هایش موجودند، لیک دست کم دو تای آنها به صراحت و مقید، در باره جایگاه ارجمند زنان است؛ در قصیده "نهال آرزو" و قطعه "فرشته آنس"

در قطعه "فرشته آنس" از جایگاه شایسته زنان می‌آغازد و توانایی‌های ایشان را می‌ستاید. نقش بایسته علم‌اندوزی و آموزش و پرورش را به میان می‌کشد. سپس زیورپرستی و ظاهرگرایی عده‌ای از بانوان را مذمت می‌کند:

"- در آن سرای که زن نیست، آنس و شفقت نیست،

در آن وجود که دل مُرد، مُرده است روان.

به هیچ مبحث و دیباچه‌ای قضا ننوشت،

برای مرد، کمال و برای زن، نقصان... .

اگر فُلاطُن و سقراط بوده اند بزرگ،

بزرگ بوده پرستار خُردی ایشان... .

چه پهلوان و چه سالک، چه زاهد و چه فقیه،

شدند یک سره شاگرد این دبیرستان... .

همیشه دخترِ امروز مادر فرداست،

ز مادرست مسیر بزرگی پسران... .

به روزگار سلامت، رفیق و یار شفیق،

به روز سانه، تیمارخوار و پشتیبان... .

چه زن، چه مرد، کسی شد بزرگ و کامروا،

که داشت میوه ای از باغ علم در دامن... .

زنی که گوهر تعلیم و تربیت نخرید،

فروخت گوهر عمر عزیز را ارزان... .

همیشه فرصت ما صرف شد در این معنی،

که نرخ جامه بهمان چه بود و کفش فلان... .

نه بانوست که خود را بزرگ می شمرد،

به گوشواره و طوق و به یاره مرجان.

چو آب و رنگ به چهره نیست چه سود،

ز رنگ و جامه زربفت و زیور رخشان." (همان: ۵۳-۱۵۲)

وزارت معارف رضاشاه در ۱۳۱۵ به پروین نشان علمی اعطا کرد. او با لحنی مؤدبانه آن را پس فرستاد. در عمل نشان داد که از بیخ و بن، مدارج علمی حکومت استبدادی را به پیشیزی نمی گیرد.

در همان سال ۱۳۱۵ به شغل کتابداری در کتابخانه دانش سرای عالی پرداخت ولی آن را هم در اوایل سال بعد رها کرد.

در عهد سلطنت رضاشاه که آزادگان را می کشتند یا حبس می کردند و با آمپول هوا به شهادت می رساندند، پروین با شجاعت تام و تمام، مظالم حاکمان و قاضیان را فاش می کرد.

در مثنوی "دزد و عسس" بیداد حُکام، قانون های ناعادلانه و مجریان ستم گر آن را آشکار کرده، سخنانی پرداخته که نزد عام و خاص از مردم ایران گرامی ست و ورد زبان؛ به همین دلیل نیز به اشعار جاودانه تبدیل شده است:

"برد دزدی را سوی قاضی عسس	خلق بسیاری روان از پیش و پس.
گفت قاضی کاین خطا کاری چه بود	دزد گفت از مردم آزاری چه سود...
گفت هان برگوی شغل خویشتن	گفت هستم همچو قاضی راهزن.
گفت آن زرها که بردستی چه شد؟	گفت در همان تلبیس شماسست...
دزدی پنهان و پیدا کار توست	مال دزدی جمله در انبار توست.
تو قلم بر حکم داور می بری	من ز دیوار و تو از در می بری.
حد به گردن داری و حد میزنی	گر یکی باید زدن صد می زنی...
دزد زر بستند و دزد دین رهید	شحنه ما را دید و قاضی را ندید...
دزد اگر شب گرم یغما کردن است	دزدی حُکام روز روشن است"

(همان: ۱۰۹).

این شعر همچنان امروزی ست. لبّ اوضاع در مسند قضا و رفتار قاضی ها و مزدوران دیگر را نشان داده، آن سان که این روزها شاهدیم.

پدر پروین-یوسف اعتصامی- در ۱۳۱۶ درگذشت. پروین که بزرگ ترین حامی و یاور خود را از دست داده بود در این غم فرسود. وی در روزهای نخست

۱۳۲۰ به بیماری حصبه مبتلا شد. نامردمانی در جامه پزشکی سنگ تمام گذاشتند در جفای به او. زنی را که نادره زمان خود بود با سهل انگاری و بی مروتی به مرگ سوق دادند. بعد که سلامتی پروین به آخر رسید، در به روی کسانِ پروین بستند و خود را پنهان کردند. در شانزدهم ۱۳۲۰ این بانوی آزاده و غمخوارِ تهیدستان به مرگ پیوست. کسی نمی داند در پس پرده چه ها گذشته است؟! لابد آن پزشکان نیز مثل پزشک احمدی مأمور بودند هنرمندی بی مثال از جمع آزادگان را خاموش کنند؛ و به حتم خود را معذور می دانستند.

پروین اعتصامی کمی بیش از سی و سه سال زیست. در این مدت کوتاه کارنامه ای پر بار و ستودنی به یادگار گذاشت. از آن زمان تاکنون اشعارش با استقبال کم نظیر مردم روبه رو بوده و مورد توجه همگان قرار داشته است.

هرکس با هر مرام و نگرشی، وقتی اشعار پروین را می خواند اذعان خواهد داشت که با انسانی شریف و مردمی روبه روست.

پروین در قطعه "صاعقه ما، ستم آغنیاست" بین برزگری با پسرش مناظره ترتیب داده، بیداد و مفساد ناشی از تضاد طبقاتی را فاش می کند:

<p>"گفت چنین کای پدر نیکرای پیشه آنان همه آرام و خواب دولت و آسایش و اقبال و جاه حاصل ما را دگران می برند زین همه گنج و زر و ملک جهان در عوض رنج و سزای عمل کار ضعیفان ز چه بی رونق است</p>	<p>صاعقه ما، ستم آغنیاست. قسمت ما درد و غم و ابتلاست. گر حق آنهاست حق ما کجاست؟... زحمت ما، زحمت بی مدعاست... آنچه که ما راست همین بوریاست... آنچه رعیت شنود، ناسزاست... خون فقیران از چه رو بی بهاست...</p>
---	--

پیر جهان دیده بخندید کاین  
 قصه زور است، نه کارِ قضاست.  
 مردمی و عدل و مساوات نیست  
 زان، ستم و جور و تعدی رواست.  
 گشته حق کارگران پایمال  
 بر صفت غله که در آسیاست...  
 پیش که مظلوم برد داوری  
 فکر بزرگان همه از وهوی ست...  
 ما فقرا از همه بیگانه ایم  
 مرد غنی با همه کس آشناست...  
 مردم این محکمه اهریمن اند  
 دولت حکام ز غصب و ریاست...  
 خون بسی پیرزنان خورده است  
 آنکه به چشم من و تو پارساست"  
 (همان: ۴۲-۱۴۰).

این قطعه، نخست در مجله بهار در سال ۱۳۰۰ چاپ شد، و قتیکه پروین پانزده سال داشت. از آن زمان با ستم طبقاتی آشنا بوده، آفت زندگی کشاورزان و صاعقه بر کشت و کار آنها را از ستم اغنیا می دانسته است. اغنیا نیز عبارت بوده اند از خان ها، مالکان، حکام، داوران ظالم و مدعیان پارسایی. در این شعر اثری از تقدیرگرایی دیده نمیشود. بلکه به مطلق، ضد جبرگرایی و تقدیر است.

### زمستان ۱۴۰۳ محمدمسعود

مأخذ: ۱) (اعتصامی، پروین. دیوان اشعار پروین با مقدمه محمدتقی بهار. تهران. نشر گویا. چاپ اول. ۱۳۹۸.

۲) (قدم یاری، مجید. معجزه پروین، نقد و تحلیل و گزیده اشعار. تهران. انتشارات سخن. چاپ دوم. ۱۳۸۸.

۳) (ناتل خانلری، پرویز. هفتاد سخن از گوشه و کنار ادبیات فارسی، جلد سوم. تهران. انتشارات توس. چاپ اول. ۱۳۶۹.





**تلخ ترین عکس ایران!**  
**زنجیری که پیر مرد نابینا به ترازوی خود**  
**بسته، دقیقتر از هر آمار جامعه شناسانه،**  
**وضعیت اخلاقی امروزه جامعه را بر سرمان**  
**میگوید... 🙄**